

ماهنامه تحلیلی
ویژه هادیان سیاسی بسیج

حدیث

سال چهاردهم

سال ۱۳۹۳

شماره - ۱۵۱

پی‌دا در و گار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۵۱ - شهریور ماه سال ۱۳۹۳

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

۱- علی آزر می ۲- علی مرادزاده ۳- عباس حاجی نجاری

۴- بهزاد کاظمی ۶- محمدرضا مرادی

شمارگان: ۷/۵۳۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶-۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): ssb۱۱۰@chmail.ir

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سفن هدایت.....	۱
کلام نور.....	۷
بخش سیاسی	
* ابعاد و تأثیرات تسلیح کرانه باختری	۱۳
* مذاکرات هسته‌ای و ضرورت تغییر در نگرش‌ها و رویکردها.....	۲۳
* نقدپذیری دولت یازدهم از شعار تا عمل.....	۴۳
* بررسی کارنامه رویکرد دولت یازدهم به عفاف و حجاب	۶۱

بخش اقتصادی

* تک نرخی؛ سیاست ارزی دولت یازدهم..... ۷۱

اندیشه سیاسی اسلام

پلورالیسم در اندیشه شهید مطهری^(ره)..... ۸۳

بخش پرسش و پاسخ..... ۹۷

«دفاع مقدس» از نگاه دو امام

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ یادآور آغاز جنگی است که رژیم بعثی عراق با حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی شرق و غرب به ویژه آمریکای جنایتکار با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی به ایران اسلامی تحمیل کرد. جنگ در حالی شروع شد که صدام رییس جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین‌های تلویزیون عراق با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، آغاز تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران را اعلام کرد. تجاوزی که هشت سال جنگ را در پی داشته و خسارت‌های بسیار سنگین جانی و مالی را بر ایران اسلامی تحمیل کرد.

علی‌رغم اینکه جنگ در طول هشت سال دفاع مقدس فراز و فرودهای فراوانی را به دنبال داشت، تلخی‌ها و شیرینی‌های بسیاری را در یادها زنده می‌کند، اما این تلخی‌ها شیرینی‌هایی را به مردم هدیه داد که به

سید
هدایت

مناسبت سالگرد هفته دفاع مقدس آثار و برکات آن را از کلام امام راحل و امام خامنه‌ای در این شماره از سخن هدایت بر می‌شماریم:

دست‌آورد و آثار جنگ در کلام امام خمینی (قدس سره)

«هر روز ما در جنگ برکاتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلاب‌مان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زده‌ایم. ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم. ما در جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم. ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردم مان باور کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها می‌توان سالیان سال دفاع کرد» (منشور روحانیت - اسفند ۶۷).

دفاع مقدس در کلام امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

* در جنگ تحمیلی ملت بزرگ ما با ایستادگی و مقاومت خود در راه خدا، این توطئه را به وسیله و نردبانی به سمت قله آرزوها و ارزش‌های اسلامی و وسیله‌ای برای پیشرفت تبدیل کرد (۱۳۶۹/۰۶/۰۱)

* یکی از برکات دفاع هشت‌ساله ما، همین پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و ساخت دقیق‌ترین ابزارهاست که با دست خالی و بدون هیچ سابقه‌ای آنها را به دست آوردیم و جزو موجودی ملت ایران شده است (۱۳۷۴/۰۶/۲۹).

* جنگ هشت‌ساله، این ملت را آبدیده، شجاع و متکی به نفس کرد. نام

این ملت را بلند کرد. خیلی از ملت‌های مسلمان دنیا به خاطر جنگ و عقاید شما ملت، توجه و گرایش پیدا کرده‌اند (۱۳۷۵/۰۹/۲۴).

* ما در جنگ، بسیار جان‌های عزیز را از دست دادیم و خسارت‌های مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم، اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکا به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد (۱۳۷۹/۰۷/۰۶).

* مواظب باشید از مسأله دفاع مقدس که در این کشور اتفاق افتاد، غافل نشوید؛ کار بزرگی انجام گرفت. آن جوان‌ها مثل شماها بودند؛ اکثر این جوان‌هایی که در جنگ نقش‌های مؤثر ایفا کردند، از قبیل همین دانشجویها بودند و خیلی‌هایشان هم جزو نخبه‌ها بودند. دلیل نخبه بودنشان هم این بود که یک جوان بیست و دو، سه ساله فرمانده یک لشکر شد؛ آن چنان توانست آن لشکر را هدایت کند و آن چنان توانست طراحی عملیات را، که هرگز نکرده بود، بکند که نه فقط دشمنانی را که مقابل ما بودند متعجب کرد، بلکه ماهواره‌های دشمنان را هم متعجب کرد (۱۳۸۳/۰۷/۰۵).

* ما هرچه برای دوره دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده خوب و درخوری نشده (۱۳۸۴/۰۶/۳۱).

* دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهره خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد

(۱۳۸۴/۰۶/۳۱).

* این جنگ، یک جنگ دفاعی بود. جنگ دفاعی با جنگ تهاجمی فرق دارد؛ جنگ تدافعی و دفاعی، محل بروز غیرت و تعصب و وفاداری عمیق انسان‌ها به آرمان‌هایی است که به آنها پایبند است (۱۳۸۵/۰۷/۲۹).

* من توصیه می‌کنم این کتاب‌هایی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سال‌های دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوان‌ها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب (۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

* همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه معجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پرتلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد؛ این را باید همه بدانند (۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

* من مشتاقم که جوان‌های ما قصه جنگ تحمیلی هشت ساله را بدانند که چه بود. این را بارها گفته‌ایم؛ افراد هم گفته‌اند و تشریح کرده‌اند؛ اما یک نگاه کلان به این هشت سال، با اطلاع از جزئیاتی که وجود داشته است، خیلی برای برنامه‌ریزی آینده جوان در روزگار ما مهم است (۱۳۸۷/۰۸/۰۸).

* جنگ تحمیلی را دشمن برای خاموش کردن انقلاب به راه انداخت، اما همین جنگ تحمیلی باعث شعله‌ورتر شدن نیروی انقلاب و روحیه انقلاب شد (۱۳۸۸/۰۱/۲۶).

* جنگ، کار پیچیده‌ای است. مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوان‌های نورس ما در بسیاری از بخش‌ها انجام می‌دادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌هاست. چقدر جوان‌های کم‌سال رفتند در جبهه و توانستند در آنجا کارهای بزرگ از خودشان نشان بدهند. بعضی

شهید شدند، بعضی هم جزو سرمایه‌های انقلاب بودند، بعدها کشور از اینها استفاده کرد. حقیقتاً این جوری بود که سپاه پاسداران یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور شده در طول این بیست و هفت هشت سال؛ به خاطر اینکه جنگ توانست از یک مجموعه جوان، مجموعه‌ای از عناصر کارآمد و با استعداد درست کند و تحویل بدهد؛ چون استعدادها در اینها شکوفا شد (۱۳۸۸/۰۶/۲۴).

* اینکه تصور بشود که هنر دفاع مقدس در جامعه ما مخاطب ندارد، طالب ندارد، این هم خطای بزرگی است، از اشتباهات فاحش است؛ اگر کسی این را خیال کند. تحقیقاً پر مشتری‌ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس بود؛ چه در زمینه فیلم و سینما، چه در زمینه کتاب، خاطره، داستان (۱۳۸۸/۰۶/۲۴).

* هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه زمانی نیست؛ گنجینه عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند (۱۳۸۸/۰۶/۲۴).

* آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه معنویت رزمندگان ما و جامعه اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه عجیب و شگفت‌انگیز - یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن - را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلت‌ها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگترین نیازهاست (۱۳۸۸/۰۶/۲۴).

* این هشت سال، مظهري از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است،

مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است (۱۳۸۸/۰۶/۲۴).

✱ جنگ هشت ساله، ما را قوی‌تر کرد. اگر جنگ هشت ساله نبود، این سرداران شجاع، این مردان برجسته نشان داده نمی‌شدند، در بین ملت بروز نمی‌کردند؛ این حرکت عظیم مخلصانه مردم مجال بروز و ظهور پیدا نمی‌کرد (۱۳۹۳/۱۱/۲۷).

توصیه رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای هیأت دولت

در آغازین روزهای سال دوم فعالیت دولت یازدهم، رئیس جمهور به همراه اعضای هیأت دولت دیداری با رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای داشتند که در این دیدار معظم له توصیه‌های مهمی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دولتمردان فرمودند که به صورت اجمالی به آن اشاره می‌شود:

(۱) کار و فعالیت و خدمت مستمر به مردم و پرهیز از حاشیه‌سازی‌ها

(۲) حفظ انسجام درونی و شنیده شدن یک صدا
از دولت

باید مراقبت شود تا در سخنان مسئولان دولتی تعارض وجود نداشته باشد و فلسفه تعیین سخنگو هم این است که از دولت صدای واحد در مسائل مختلف

شنیده شود.

۳) پرهیز از دو قطبی کردن جامعه با شعارها و دعوای سیاسی

جناح‌بندی‌های سیاسی اشکالی ندارد، اما نباید جامعه را به دو قطب تبدیل کرد؛ زیرا این کار موجب دل‌زدگی و خستگی مردم و شکننده شدن محیط جامعه می‌شود.

۴) عبور دولت از جناح‌بندی‌ها در مسائل سیاسی

علائق اعضای دولت به برخی جناح‌های سیاسی اشکالی ندارد اما دولت و اعضای آن نباید اسیر جناح‌بندی‌ها شوند.

در موضوع جناح‌بندی‌های سیاسی همواره تأکید بر رفاقت و انس با یکدیگر است، اما در برخی موارد هم مسأله متفاوت است و باید حتماً خطوط قرمز و خطوط فاصل رعایت شوند.

مسأله فتنه و فتنه‌گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همانگونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند.

۵) رعایت سعه صدر و آرامش در قبال انتقادهای منصفانه

آقای رئیس‌جمهور از برخی انتقادهای ناراحتند که البته در برخی موارد هم واقعاً حق با ایشان است و برخی انتقادهای تند و گاهی غیرمنصفانه هستند.

لزومی ندارد که انسان بخواهد به هر مطلب یا انتقادی، پاسخ دهد؛ زیرا در برخی موارد سکوت بهتر است ضمن آنکه هر حرفی هم که بر ضد ما زده شود اینگونه نیست که حتماً در ذهن افراد جامعه تأثیر بگذارد و مورد قبول قرار گیرد.

انتقاد باید باشد، اما انتقاد باید با لحن خوب و منصفانه باشد و هدف از

آن نیز بی‌آبرویی و سبک کردن طرف مقابل نباشد که این روش قطعاً غلط است.

پاسخ به انتقادات هم باید منطقی و با خونسردی داده شود. ایشان با تأکید بر اینکه انتقادهای منصفانه دشمنی نیست، بلکه کمک به دولت است، فرمودند: «یکی از مسائل بسیار مهم کنونی، آرامش روانی موجود در جامعه است که باید حفظ شود».

۶) رعایت انصاف در انتقاد از اقدامات و سیاست‌های دولت‌های

گذشته

همواره دولت‌ها نسبت به دوره‌های گذشته خود منتقد بوده‌اند که ایرادی هم ندارد، اما این انتقاد نباید حالت اغراق‌آمیز و تخریب پیدا کند؛ زیرا در روحیه مردم تأثیر بد می‌گذارد و آنان را نسبت به آینده نیز نامطمئن می‌کند. اگر در این اظهار نظرهای انصافی شود، قطعاً در آینده نیز نسبت به عملکرد ما هم بی‌انصافی خواهد شد. اگر برخی سیاست‌ها یا عملکردهای دوره گذشته را قبول نداریم، بهترین شیوه، اصلاح آن در عمل است و این روش، بهتر از اظهار نظر است.

۷) موضع‌گیری صریح و قاطع در قبال مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی

موضع‌گیری صریح و قاطع در مسائلی همچون فلسطین، رژیم صهیونیستی، غزه، سوریه، عراق، تکفیری‌ها و دخالت‌های آمریکا، به نفع نظام جمهوری اسلامی است و منافاتی هم با زبان دیپلماسی و مذاکره ندارد. موضع‌گیری صریح و شفاف در خصوص این مسائل شاکله کلی نظام اسلامی و عقبه راهبردی نظام در میان ملت‌ها را حفظ خواهد کرد.

۸) ادامه پرشتاب رشد علمی کشور و حمایت از شرکت‌های

دانش‌بنیان و نقش تعیین‌کننده تحقیقات کاربردی و تحقیقات بنیانی

۹) پشتیبانی از طرح نظام سلامت

باید این طرح پشتیبانی شود و ادامه یابد، ضمن آنکه مراقبت شود برخی تصمیم‌ها، این طرح را به ضد خود تبدیل نکند.

۱۰) تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی و حمایت از تولید

کلید رونق اقتصادی که مورد تأکید رئیس جمهور محترم نیز است، مسأله تولید است. باید با استفاده از ظرفیت‌های فراوان داخلی، تولید را به حرکت درآورد تا رونق اقتصادی و افزایش صادرات غیرنفتی محقق شود. دولت باید بسته سیاست‌های اقتصادی خود را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تطبیق دهد و مواردی را که غیرمنطبق با این سیاست‌ها است، حذف کند.

ایشان، تثبیت قیمت ارز و کنترل تورم را از اقدامات با ارزش دولت در یک‌سال گذشته برشمردند و افزودند نباید به این اقدامات بسنده کرد؛ زیرا این موارد، قدم‌های اول هستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از مشکلات جدی کنونی کشور را بنگاه داری بانک‌ها دانستند و تأکید کردند: دولت باید این موضوع را بطور جدی پیگیری و حل کند؛ زیرا بانک‌ها باید در خدمت تولید باشند و اگر در خدمت تولید قرار گیرند بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

۱۱) توجه ویژه به بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی در روستاها

صنایع بخش کشاورزی، یکی از بخش‌های راهبردی است که در همه کشورها به آن کمک ویژه می‌شود و دولت باید به بخش کشاورزی مساعدت ویژه‌ای داشته باشد. راه توسعه روستاها، ایجاد صنایع تبدیلی در روستاها است.

۱۲) اهمیت ویژه بخش معدن و ارزش افزوده و اشتغال‌زایی این بخش

۱۳) پرهیز از واردات بی‌رویه و تأثیر منفی آن بر تولید داخلی

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه موضوع واردات، فقط از طریق تعرفه حل نخواهد شد، افزودند دولت باید در خصوص واردات کالاهای غیر ضروری و تجملی سخت‌گیری بیشتری انجام دهد و اعمال قدرت کند.

۱۴) حل مشکل آب کشاورزی

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای ضمن تأیید سیاست‌های وزارت نیرو در خصوص آب، فرمودند یکی از راه‌حل‌های جدی برای مشکل آب در کشور، صرفه‌جویی در آب کشاورزی از طریق استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری به ویژه آبیاری تحت فشار است.

۱۵) توجه جدی برای تکمیل مسکن مهر

اگر احتمالاً با اصل طرح مسکن مهر و یا نحوه تزریق اعتبارهای بانکی به آن مخالفتی وجود دارد، اما این را هم بدانیم که اکنون چند میلیون نفر چشم انتظار تکمیل مسکن مهر هستند و باید این کار به‌طور جدی پیگیری شود و به اتمام برسد.

(بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۳/۰۶/۰۵)

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری

۱۳۹۳/۰۶/۱۳

سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسأله علم و فناوری است، یکی مسأله اقتصاد است، یکی مسأله فرهنگ است. در این سه بخش ما باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ اینها عناصر کلیدی‌اند. دولت‌های ما، مسئولین ما، مؤثرین و متنفذین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند. مسأله جمعیت هم البته بسیار مهم است... مسأله جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی؛ و افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، خیلی تأثیر دارد در ایجاد اقتدار. البته از همه اینها مهم‌تر، مسأله فرهنگ است؛... اشاره شد که بسیاری از سرمایه‌های گوناگون بین‌المللی صرف ایجاد رسانه‌های اثرگذار می‌شود، از قبیل ماهواره و اینترنت و موبایل و امثال اینها؛ دارند سرمایه‌های زیادی را صرف می‌کنند برای اینکه بر روی عقاید مردم و باورهای مردم اثر بگذارند و اینها را در واقع از حیطه نفوذ نظام اسلامی و ارزش‌های اسلامی خارج کنند؛ که البته پادزهر آن هم این است که ما بتوانیم در سطوح مختلف، نسبت به باورها طرح‌های تبیینی و اقناعی داشته باشیم؛ علمای ما، سازمان‌های فرهنگی ما، سازمان‌های تبلیغاتی ما، گویندگان ما، صداوسیما ما باید بتوانند این باورها را در ذهن مردم تثبیت کنند و تعمیق کنند که البته ارتباط مستقیم علما با مردم، یک عامل و عنصر بی‌بدیلی است؛ هیچ چیزی جای این را نمی‌گیرد، هیچ چیزی؛ حتی صداوسیما که یک رسانه فراگیر است، نمی‌تواند جای ارتباط مستقیم علما و متفکرین دینی را با مردم بگیرد.

ابعاد و تأثیرات تسلیح کرانه باختری

محمدرضا مرادی

مقدمه

مردم محصور غزه در حالی در هفت سال گذشته در برابر حملات همه‌جانبه رژیم صهیونیستی مقاومت کرده‌اند که با جهان خارج جز از طریق گذرگاه رفح ارتباطی نداشته‌اند. این گذرگاه نیز متأثر از بازی‌های سیاسی دولت قاهره باز و بسته بوده است. به صورتی که مایحتاج اولیه مردم غزه نیز بارها به خاطر تصمیمات قاهره قطع شده است. در شرایطی که در ۱۷ مرداد ماه ۹۳ ارتش رژیم صهیونیستی بار دیگر به بهانه کشته شدن سه شهروند خود حملات همه‌جانبه‌ای را علیه متراکم‌ترین نقطه جهان یعنی غزه از سر گرفت. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای راه‌حل مسأله فلسطین را نه سازش و مذاکرات سیاسی بلکه مسلح شدن کرانه باختری عنوان کردند.

رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان در تاریخ ۲۵

رمضان امسال، در مورد راه‌حل پیروزی مردم فلسطین بر صهیونیست‌ها تأکید کردند: «بنده عقیده‌ام این است، این اعتقاد ماست که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطین‌اند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش‌کارانه، هیچ‌کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت و از خشونت این موجود خشن و خبیث و گرگ‌صفت چیزی کاسته نخواهد شد».

در مورد این سخنان و توصیه‌های رهبری نکاتی وجود دارد که نیازمند تبیین و تحلیل است؛ بنابراین در این مطلب سعی می‌شود چرایی تأکید رهبری بر مسلح شدن کرانه باختری بررسی و ابعاد مختلف این مسأله تشریح و تأثیرات داخلی و خارجی این موضوع واکاوی شود. برای بررسی کامل‌تر این موضوع در ابتدا ناگزیریم مقایسه‌ای بین موقعیت جغرافیایی و پتانسیل‌های نوار غزه با کرانه باختری داشته باشیم، سپس دلایل اهمیت موضوع اصلی را بررسی خواهیم کرد.

موقعیت جغرافیایی نوار غزه

منطقه غزه که از آن با عنوان «نوار غزه» یا «باریکه غزه» یاد می‌شود، در جنوب غربی سرزمین اشغالی (فلسطین) قرار دارد. این باریکه دقیقاً ۴۱ کیلومتر طول دارد و عرض آن نیز بین ۶ تا ۱۲ کیلومتر تغییر می‌کند. کل مساحت این منطقه ۳۶۰ کیلومتر مربع است و حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر جمعیت دارد که یکی از پرتراکم‌ترین مناطق دنیاست. از شمال به شهرک صهیونیست‌نشین «عسقلان» منتهی می‌شود، از شرق به استان «بئر شبع» فلسطین اشغالی و از جنوب نیز به کشور مصر می‌رسد. در سمت غرب

نیز دریای مدیترانه قرار گرفته است. در منطقه غزه، پنج شهر به ترتیب از شمال، جبالییا، غزه، دیرالبلح، خان یونس و رفح وجود دارد که بزرگ‌ترین آنها شهر غزه است.

کنترل نوار غزه از سال ۲۰۰۷ پس از اختلاف و درگیری با جنبش فتح، به دست حماس افتاد و جنبش فتح در حال حاضر صرفاً بر کرانه باختری تسلط دارد. غزه در حال حاضر محل تجمع گروه‌هایی است که به مقاومت و ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی اعتقاد دارند. نزدیک‌ترین شهرک‌های صهیونیستی به غزه به ترتیب «سدیروت» ۱۰ کیلومتر، «عسقلان» ۲۱ کیلومتر، «اشدود» ۳۸ کیلومتر، «بئر الشبع» ۴۲ کیلومتر است که بیشترین تعداد موشک‌های مقاومت نیز به این شهرها اصابت می‌کند.

شهر تل‌آویو پایتخت فلسطین اشغالی در ۷۰ کیلومتری غزه است و بارها مورد اصابت موشک‌های مقاومت قرار گرفته است و دورترین شهر نسبت به غزه نیز شهر بزرگ و مهم «حیفا» در شمال سرزمین اشغالی و در ۱۵۵ کیلومتری غزه است. موشک‌های مقاومت توانسته تا قدس غربی در ۷۷ کیلومتری، بیت شمیم در ۵۷ کیلومتری، گوش دان در ۶۷ کیلومتری، رعناات در ۸۵ کیلومتری، کفار سابا در ۸۵ کیلومتری و زخرون یعکوف در ۱۲۶ کیلومتری نوار غزه را هدف قرار دهد. این شرایط در حالی است که نوار غزه از سال ۲۰۰۷ و در پی پیروزی حماس در انتخابات بر جنبش فتح، از سوی رژیم صهیونیستی تحت شدیدترین محاصره‌ها قرار دارد. مردم این منطقه برای ارتباط با دنیای خارج، تنها از طریق حفر تونل‌های زیرزمینی اقدام می‌کنند. وضعیت انسانی در این منطقه بسیار اسفبار است و دارو و غذا به شدت کمیاب است و برق جز چند ساعت در روز وجود ندارد.



موقعیت جغرافیایی کرانه باختری

کرانه باختری به دلیل قرار گرفتن در غرب رود اردن به این نام خوانده می‌شود. این منطقه نزدیک به ۲۱ درصد از مساحت فلسطین یکپارچه (از رود اردن تا دریای مدیترانه) یعنی حدود ۵۸۶۰ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. کرانه باختری در کنفرانس اریحا در سال ۱۹۵۱ به اردن ملحق شد و اسرائیل توانست در جریان جنگ ۱۹۶۷ این منطقه را اشغال کند. این منطقه تا سال ۱۹۸۸ جزو اراضی تحت حاکمیت اردن قرار داشت. براساس آمار سال ۲۰۱۱ میلادی این منطقه که دارای ۱۱ استان است جمعیتی حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را در خود جای داده است. البته برخی از مراکز آماری جهانی نیز جمعیت این منطقه را دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر اعلام کرده‌اند.



تأثیرات تسلیح کرانه باختری در دو بعد داخلی و خارجی

کرانه باختری به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی و پتانسیل‌های جمعیتی بالای خود در صورت تسلیح می‌تواند بسیاری از معادلات در عرصه نبرد را بر هم بزند. بیشترین تأثیر مسلح شدن مردم این منطقه در بعد روانی دارای اهمیت است که می‌تواند وحشت را در اردوگاه مقابل به همراه داشته باشد و نیروهای مقاومت را امیدوار به ادامه مقاومت کند. در زیر به چند نمونه از تأثیرات و دلایل اهمیت مسلح شدن مردم کرانه باختری اشاره می‌شود:

۱- یکی از مهم‌ترین و در عین حال سریع‌ترین تأثیرات تسلیح مردم کرانه باختری به صورت مستقیم به حضور جمعیت نیم میلیونی صهیونیست‌ها در این منطقه باز می‌گردد. در ۱۲۰ شهرک غیر قانونی که از سال ۱۹۶۷ در کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس ساخته شده است حداقل ۵۰۰ هزار صهیونیست زندگی می‌کنند. در صورتی که سلاح به دست نیروهای مقاومت در این منطقه برسد این جمعیت بزرگ صهیونیستی به صورت «هدفی قابل دسترس» در خواهند آمد. رژیم صهیونیستی در حالی

پروژه‌های اشغالگرانه شهرک‌سازی خود در کرانه باختری را تسریع بخشیده که هیچ وقت فکر نمی‌کرد روزی فرا برسد که جمعیت‌های ساکن در این شهرک خود به عنوان معضلی امنیتی برای این رژیم در آید.

۲- تسلیح مردم کرانه باختری می‌تواند تهدیدی برای تأسیسات نظامی و امنیتی اسرائیل نیز به شمار رود. مهم‌ترین هدف در این مورد تأسیسات هسته‌ای دیمونا است که در جنوب سرزمین‌های اشغالی قرار دارد. این تأسیسات برای رژیم غاصب اسرائیل بسیار بااهمیت است و با شدیدترین سامانه‌های دفاعی از آن دفاع می‌کند. اگر مردم کرانه باختری را مسلح کرد به راحتی می‌توانند از همجواری برخی شهرهای کرانه باختری با این تأسیسات استفاده کنند و آن را هدف قرار دهند. در سال ۱۳۹۱ یک هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد ایوب متعلق به حزب الله لبنان) وارد فضای سرزمین‌های اشغالی شد و با طی مسیری در حدود ۳۰۰ کیلومتر و عبور از روی مهم‌ترین مراکز نفتی و نظامی رژیم غاصب اسرائیل، طی سه ساعت، خود را به نزدیکی اصلی‌ترین مرکز تأسیسات هسته‌ای این رژیم یعنی نیروگاه دیمونا در عمق صحرای نقب رساند، اما این نفوذ تا مدت‌ها از دید رادارهای فوق پیشرفته پنهان بوده و حتی پس از کشف و انهدام نیز تا چند روز، به معمای لاینحل سردرمداران این رژیم تبدیل شد. این امر نشان می‌دهد که سامانه‌های دفاعی که در اطراف این نیروگاه هسته‌ای مستقر هستند چندان پیشرفته نیستند و در صورت شلیک از فاصله نزدیک می‌توان ضربه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر بر رژیم صهیونیستی وارد کرد.

۳- علاوه بر تأثیرات مسلح شدن مردم کرانه باختری در بعد مادی، این امر می‌تواند از لحاظ روانی نیز وضعیت را کاملاً به سود نیروهای مقاومت تغییر دهد. تمام تلاش صهیونیست‌ها در سال‌های اخیر این بوده که با گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری بیشترین نظارت را بر فلسطینیان این

منطقه داشته باشند. از این رو ما شاهد نظارت دقیق امنیتی دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل بر تمام تحرکات مردم این منطقه هستیم، اما در جنگ اخیر مردم این منطقه با برگزاری تظاهرات بی‌سابقه در دفاع از مقاومت غزه نشان دادند که در صورت مهیا شدن شرایط می‌توانند در کنار گروه‌های مقاومت علیه رژیم صهیونیستی وارد نبرد شوند. حال اگر این جمعیت انبوه را بتوان مسلح کرد آن گاه از لحاظ روانی می‌توان شاهد یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های اخیر اسرائیل بود؛ چرا که برنامه‌های طراحی‌شده‌ای این رژیم برای دور نگه داشتن مردم کرانه باختری از غزه با شکست مواجه خواهد شد.

۴- اما اهمیت دیگر کرانه باختری به نقشه‌های اسرائیل برای بلعیدن این منطقه مرتبط است. اخیراً روزنامه‌ی هآرتس نوشت که اداره عمران رژیم اشغالگر قدس از زمان امضای پیمان اسلو، نقشه‌ها و طرح‌هایی برای چیرگی بر اراضی کرانه باختری و ایجاد شهرک‌های صهیونیست‌نشین در این اراضی تهیه کرده است. به نوشته این روزنامه عبری زبان، مسئولان رژیم اشغالگر تصمیم گرفته‌اند برای اجرای این نقشه‌ها و طرح‌ها، بیش از ۱۰ درصد اراضی کرانه باختری فلسطین را مصادره کنند. با توجه به این سند مشخص، به نظر می‌رسد که رژیم صهیونیستی در تدارک اجرای فاز جدیدی از نقشه خود برای بلعیدن کرانه باختری است. این اظهار نظر صریح نشان می‌دهد که کرانه باختری در آینده اشغالگری‌های صهیونیست‌ها جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. برای همین امر و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت باید با یک پیش‌دستی سریع مردم مستعد این منطقه را مسلح کنند. این امر می‌تواند ضمن برهم زدن نقشه‌های اشغالگران، قدرت مقاومت فلسطین را نه تنها تقویت نماید، بلکه مقاومت را به عنوان یک راهبرد در تمام نقاط فلسطین مسلط کند و ضمن تعمیق گفتمان مقاومت، دورنمای مسأله فلسطین را بسیار روشن‌تر کند.

۵- اهمیت دیگر تسلیح کرانه باختری به شکست ارتش اسرائیل در جنگ اخیر (۲۰۱۴) برمی گردد. صهیونیست‌ها که با هدف خلع سلاح مقاومت و به بهانه کشته شدن سه شهروند خود حملات وسیعی را علیه نوار غزه شروع کردند در طول ۵۰ روز نه تنها نتوانستند به اهداف از پیش تعیین شده خود برسند، بلکه در نهایت در مذاکرات قاهره در مقابل خواسته‌های حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی تسلیم شدند و مجبور به لغو محاصره غزه گشتند. این پیروزی بزرگی برای مردمی است که بیش از هفت سال است محاصره شده و تقریباً با جهان خارج ارتباط چندانی نداشته است. حال اگر دو میلیون و هشتصد هزار نفر از کرانه باختری نیز به این مردم بپیوندند نتیجه کاملاً به سود فلسطین تغییر خواهد کرد و می‌توان امیدوار به پایان راه اشغالگری‌های اسرائیل بود.

۶- اهمیت مسلح شدن کرانه باختری نه تنها در عرصه داخلی می‌تواند معادلات جنگ را بر هم بزند، بلکه تأثیراتی فراتر از مرزهای فلسطین نیز خواهد داشت. کرانه باختری که در همسایگی اردن قرار دارد پتانسیل عظیمی نیز در داخل اردن دارد. نزدیک به چهارونیم میلیون فلسطینی ساکن در اردن در صورت مهیا شدن شرایط در کرانه باختری برای جنگ با اسرائیل به سرعت به نیروهای مقاومت خواهند پیوست؛ چرا که بسیاری از این مردم پیوندهای سببی و نسبی با مردم کرانه باختری دارند و گذشته از این امر این مردم همان آواره‌هایی هستند که به دنبال هجوم نیروهای اسرائیلی به اردن گریخته‌اند و سال‌ها است که آرزوی بازگشت به سرزمین خود را دارند. حال پیوستن این تعداد نیرو به نیروهای مقاومت چه تأثیراتی خواهد داشت نیازی به توضیح ندارد، چرا که وقتی جمعیتی اندک در نوار غزه بدون هیچ‌گونه تجهیزات پیشرفته‌ای هفت سال در برابر صهیونیست‌ها مقاومت کرده است، نتیجه تشکیل ارتشی چند میلیونی کاملاً مشخص خواهد بود.

۷- تسلیح کرانه باختری یک تأثیر منطقه‌ای مهم نیز خواهد داشت. در شرایط کنونی در بین کشورهای مسلمان نشانه‌هایی از بازگشت آنها به حمایت از فلسطین دیده می‌شود هر چند برخی از این کشورها در مسأله فلسطین به آرمان‌های این مردم خیانت‌های جبران‌ناپذیری کرده‌اند، اما اگر مردم کرانه باختری نیز همپای مردم غزه علیه رژیم صهیونیستی وارد جنگ شوند این دسته از کشورها احتمال دارد که در حمایت‌های مادی و معنوی خود از فلسطین بازبینی‌هایی را داشته باشند و اطراف اسرائیل را خالی کنند. این امر می‌تواند بار دیگر مسأله فلسطین را به عنوان مسأله اول جهان اسلام تبدیل کند و کاری را که در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی کشورهای عرب شروع کردند اکنون با قرار گرفتن مردم سنی و شیعه منطقه در کنار یکدیگر به پایان برسانند و آوارگان فلسطینی پس ۶۰ سال بتوانند به سرزمین خود بازگردند.

فرجام سخن

با توجه به مطالبی که ذکر شد می‌توان دلیل تأکید مقام معظم رهبری بر مسلح شدن مردم کرانه باختری را به خوبی درک کرد. کرانه باختری در مقایسه با نوار غزه، از لحاظ جغرافیایی و جمعیتی و برخی دیگر از جنبه‌ها، برتری محسوسی دارد. مساحت غزه شش درصد از مساحت کل فلسطین است، در حالی که مساحت کرانه باختری و قدس شرقی ۱۶ درصد از فلسطین است و از نظر جمعیتی نیز جمعیت غزه حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر و جمعیت کرانه حدود دو میلیون و هشتصد هزار نفر است و از این رو، اگر انتفاضه سوم شکل بگیرد، این دو مجموعه جمعیتی به هم می‌پیوندند و پیروزی بزرگی بر اسرائیل را رقم خواهند زد.

همچنین برخلاف غزه که منطقه‌ای بسته است و اطراف آن را عمدتاً رژیم صهیونیستی در اختیار دارد و کمی از مرزهای آن (۳۸ کیلومتر) با مصر

مرتبط است، منطقه کرانه به مناطق حساس وصل است و دارای موقعیت راهبردی است. از یک سو مهم ترین مکان های مقدس فلسطین در کرانه و قدس شرقی قرار دارند که از جمله باید به مسجدالاقصی، مسجد الخلیل و قبه الصخره اشاره کرد. این مکان ها برای همه ادیان ابراهیمی شامل اسلام، مسیحیت و یهود، محترم و حساس هستند. از سوی دیگر، کرانه باختری به دو منطقه امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی مرتبط است. کرانه باختری در شمال منطقه امنیتی رژیم غاصب اسرائیل (تأسیسات اتمی دیمونا) و در جنوب و شرق منطقه سیاسی رژیم صهیونیستی (یعنی حيفا و تل آویو) قرار دارد و هرگونه تغییر هویتی در کرانه، دو منطقه امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی را از هم خواهد گسست. اگر کرانه باختری نیز به موشک های مقاومت مجهز شود، آنگاه ادامه فعالیت منطقه امنیتی این رژیم و تأسیسات اتمی آن ناممکن می شود و از آنجا که قوه نظامی و امنیتی تنها ابزار بقای رژیم غاصب است، پرواضح است که از کار افتادن تأسیسات جنوب کرانه آنچه در استان بئرالسبع قرار دارد، امکان حیات سیاسی را در پایتخت نیز از رژیم صهیونیستی سلب می کند. از اینجا می توان فهمید که منطقه کرانه باختری از چه حساسیتی نزد رژیم تل آویو و حامیان غربی آن برخوردار است.

بنابراین بار دیگر باید یادآور شد که با توجه به عقب نشینی بزرگ اسرائیل در برابر مردم محصور نوار غزه، آینده فلسطین بسیار روشن تر از قبل است؛ به ویژه که برای نخستین بار بیش از ۸۰ درصد مردم کرانه باختری نیز از اقدامات گروه های مقاومت و به ویژه حماس و جهاد اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی حمایت کرده اند.

مذاکرات هسته‌ای و ضرورت تغییر در نگرش‌ها و رویکردها

عباس حاجی نجاری

مقدمه

در نوشتارهای گذشته به فرصت‌ها و آسیب‌های ایران در روند مذاکرات هسته‌ای پرداخته شد و اشاره گردید که در طول یکسال گذشته میز مذاکرات هسته‌ای به خط مقدم تعامل ایران با گروه ۵+۱ تبدیل شده است. ایران بعد از امضای توافقنامه ژنو در آذرماه ۹۲ که به "برنامه اقدام مشترک" موسوم شد، برای اثبات حقانیت خود در روند فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، نهایت همکاری را با آژانس انرژی هسته‌ای و گروه ۵+۱ به عمل آورد، و در این مسیر اگرچه در قبال تعلیق برخی فعالیت‌های هسته‌ای و تبدیل مواد غنی‌شده، دستاوردهای داشت، اما به رغم حسن نیت و انتظار تیم مذاکره‌کننده و دولتمردان ایران، در رفتار آمریکایی‌ها تغییری حاصل نشد و آنها همچنان بر گفتمان سلطه‌طلبانه خود در روند مذاکره و گفتگو با ایران تأکید و تلاش داشته و دارند که ناکامی‌ها و شکست‌های خود در تقابل با ایران اسلامی را در این عرصه جبران کنند که در آخرین گام روز جمعه هفتم شهریور وزارت خزانه‌داری آمریکا ۸ شخصیت، ۲۰ شرکت و مؤسسه مالی از جمله ۶ نفتکش ایرانی را به بهانه نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی در لیست سیاه تحریم قرار داد.

به دلیل این رویکرد آمریکایی‌ها، در آستانه مذاکرات وین ۶ که در روزهای پایانی فرصت شش‌ماهه "برنامه اقدام مشترک" در حال برگزاری بود،

هنگامی که احساس شد آمریکایی‌ها متأثر از برآوردهای خود از محیط داخلی ایران و تحولات منطقه تلاش دارند تا با تحمیل شرایط روند مذاکرات را در چارچوب منافع خود مدیریت کنند، مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ضمن حمایت از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، با تشریح ظرفیت غنی‌سازی مورد نیاز کشور، مواضع صریح نظام اسلامی را در زمینه موارد اختلافی بر شمرده و فرمودند: هدف آنها این است که در موضوع ظرفیت غنی‌سازی، جمهوری اسلامی ایران را به ۱۰ هزار سو راضی کنند البته ابتدا از ۵۰۰ سو و ۱۰۰۰ سو شروع کردند، که «۱۰ هزار سو محصول حدود ۱۰ هزار سانتریفیوژ از نوع قدیمی است که داشتیم و داریم»، در حالی که به گفته مسئولان مربوط، نیاز قطعی کشور، ۱۹۰ هزار سو است. "ایشان مخالفت آمریکایی‌ها با دانش و فناوری بومی هسته‌ای ایران را به بهانه نگرانی از تولید سلاح هسته‌ای ناحق و غیر منطقی دانستند و گفتند: «تضمین برای جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته‌ای، راه‌های مشخص و دستگاه‌های مسئولی دارد که جمهوری اسلامی ایران اشکالی در این موضوع نمی بیند و تضمین هم شده است، اما آمریکا حق ندارد در مورد احتمال دستیابی کشورها به سلاح هسته‌ای اظهار نگرانی کند؛ زیرا خود آمریکا از این سلاح استفاده کرده و اکنون نیز چند هزار بمب هسته‌ای دارد». ایشان مسأله تحقیق و توسعه در موضوع هسته‌ای را یکی دیگر از مواردی دانستند که باید قطعاً در مذاکرات رعایت شود و افزودند: «یکی دیگر از موارد مهم که طرف مقابل تکیه و حساسیت زیادی دارد، حفظ تشکیلاتی است که تخریب آنها برای دشمن امکان پذیر نیست». رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: «آنها در مورد تأسیسات فردو می‌گویند، چون این تأسیسات قابل دسترسی و ضربه زدن نیست؛ بنابراین باید تعطیل شود که این سخن، خنده آور است!»

اما پس مذاکرات وین ۶ و توافق چهارماهه ایران و ۱ + ۵ برای ادامه

مذاکرات، عملکرد طرف آمریکایی این مذاکرات که در قالب مصاحبه اوباما با نیویورک تایمز و بیانیه وزارت خارجه آمریکا و همچنین گزارش وندی شرمن ریاست تیم مذاکره کننده آمریکایی انعکاس یافت، عملاً نشان داد که آمریکایی‌ها با مصادره به مطلوب نتیجه مذاکرات، تهدید و تحقیر ایران را دنبال می‌کنند. اوباما رئیس جمهور آمریکا در گفتگو با نیویورک تایمز می‌گوید که شانس رسیدن به توافق نهایی در برنامه هسته‌ای ایران کمتر از ۵۰ درصد است. او در عین حال در امتداد یکی از راهبردهای اصلی آمریکا از این مذاکرات در تبدیل آن به میدانی برای چالش داخلی در ایران مدعی می‌شود که دلیل آن این است که برخی از مقامات ایران نگران هستند که چنین توافقی قدرت آنها را کاهش دهد.

الف: ارزیابی اجمالی از عملکرد آمریکا در طول مذاکرات

در سوم آذر ۹۲ ایران و گروه ۵+۱، توافقنامه ژنو را به امضا رساندند و هر یک از دو طرف در ازای امتیازاتی که از طرف مقابل دریافت کردند، متعهد به انجام برخی تعهدات شدند. در یک مقایسه اجمالی اگرچه وزنه امتیازات گروه مقابل بسیار سنگین‌تر از امتیازات ایران بود و به رغم اینکه ایران به استناد گزارش‌های آژانس، به تعهدات خود عملکرد، اما عملکرد گروه ۵+۱ و به ویژه آمریکایی‌ها مغایر تعهدات بود که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود:

۱- تداوم تحریم‌ها علیه ایران و وضع تحریم‌های جدید

عملکرد آمریکا طی هشت ماه سپری شده از توافق ژنو، نشان می‌دهد برخلاف ادعاهایی که مطرح می‌شود ماشین تحریم این کشور علیه ایران متوقف نشده است. بر اساس بررسی‌های انجام شده به‌ویژه بر پایه گزارش وزارت خزانه داری آمریکا در طی حدود هشت ماه پس از توافق ژنو بیش از ۵۵ مورد تحریم جدید از سوی آمریکا علیه شرکت‌ها، بانک‌ها و افراد با ادعای ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران یا مسائل حقوق بشر و تروریسم اعمال شده

است. البته این تعداد شامل موارد جزئی نیست که قطعاً تعداد این تحریم‌ها را افزایش خواهد داد. همچنین اتحادیه اروپا نیز ۱۷ شرکت و فرد را در ارتباط با ایران تحریم کرد. این اتحادیه در تاریخ هشتم آذرماه ۹۲، «شرکت مدیریت ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای ایران» و ۱۶ شرکت کشتیرانی را با ادعای حمایت از برنامه هسته‌ای و دور زدن تحریم‌ها، تحریم کرد.

در زمستان ۹۲ و دو ماه پس از اعمال گسترده تحریم‌های جدید علیه ایران، تیم هسته‌ای کشورمان مذاکرات کارشناسی وین را در اعتراض به رفتار آمریکایی‌ها ترک کرد. تحریم‌های جدید حتی با واکنش وزارت خارجه روسیه مواجه شد و این وزارتخانه با صدور بیانیه‌ای، تحریم‌های جدید را «نقض مستقیم توافقنامه ژنو» و نیز «نقض قوانین بین المللی» خواند. تحت چنین شرایطی است که حتی مقامات آمریکایی اذعان می کنند توافق ژنو دستاورد مهمی برای اقتصاد ایران نداشته است.

دیوید کوهن، معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا که مسئول مستقیم تحریم‌های ایران در این وزارتخانه است، همین ماه در جمع نمایندگان کنگره گفت: «بسته کاهش تحریم در توافق موقت ژنو به اقتصاد ایران کمکی نکرده است.» وی افزود: «ما سال گذشته زمانی که برنامه اقدام مشترک را اعلام کردیم، گفتیم که انتظار نداریم بسته کاهش تحریم‌ها در توافق ژنو اقتصاد ایران را بهبود بخشد، و این بسته این کار را نکرده است.» کوهن ادامه داد: «شرکت‌ها دلایل خوبی برای تردید در زمینه تجارت با ایران دارند. عمده تحریم‌ها پابرجا هستند و ما قویاً قصد داریم که به اجرای تحریم‌های سخت ادامه دهیم.» کوهن به سناتورها اطمینان داد که: «معتقدیم منابع لازم برای تضمین این که تحریم‌ها به شیوه مؤثر اجرا می شوند را در اختیار داریم و تحریم‌ها را ادامه خواهیم داد.» در آخرین گام هم روز جمعه هفتم شهریور وزارت خزانه داری آمریکا ۸ شخصیت، ۲۰ شرکت و مؤسسه مالی از جمله ۶

نفتکش ایرانی را به بهانه نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی در لیست سیاه قرار داد.

۲- درآمدزایی آمریکا از محل جریمه شرکت‌ها و بانک‌ها به بهانه

نقض تحریم

اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در سال‌های اخیر منافع بسیاری برای آمریکا داشته است. یکی از مهم‌ترین جریمه‌هایی که اخیراً رسانه‌ای شد، جریمه ۹ میلیارد دلاری بانک «بی‌ان پی پاریباس» فرانسه بود که حتی صدای فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور و لوران فابیوس وزیر خارجه این کشور را هم در آورد. به دنبال جریمه بانک بی‌ان پی پاریباس، آسوشیتدپرس طی گزارشی به نحوه هزینه کردن جریمه بی سابقه این بانک پرداخت و نوشت، ایالت نیویورک نزدیک به ۳.۳ میلیارد دلار از این رقم را دریافت خواهد کرد. بر اساس این گزارش، فرماندار ایالت نیویورک قصد دارد این مبلغ را به بودجه سالانه این ایالت اضافه کند. این رقم بیش از کل بودجه سالانه زندان‌ها یا برنامه‌های رفاهی کودکان ایالت نیویورک است. البته این جرایم فقط به این بانک محدود نیست. به گزارش نیویورک تایمز، صرف نظر از تمامی آثاری که این جریمه‌ها و اقرارها می‌تواند برای بانک‌ها و مؤسسات مالی در بر داشته باشد و حتی موجب متضرر شدن مشتریان شود، نکته جالب توجه درآمدزایی هنگفت واشنگتن از این جریمه‌ها است. نیویورک تایمز نوشته که با یک جمع ساده از مبالغی که تنها برای برخی بانک‌ها ذکر شده است، به رقم ۵.۶ میلیارد دلار می‌رسیم که با اضافه شدن مبلغ جریمه بی‌ان پی پاریباس این رقم به ۱۵.۴ میلیارد دلار می‌رسد.

۳- تداوم روند تحقیرآمیز علیه ایران همراه با تهدید نظامی

پس از مذاکرات وین ۶ باراک اوباما در گفتگو با روزنامه «نیویورک تایمز» تصریح کرد که شانس رسیدن به توافق نهایی درباره برنامه هسته‌ای ایران

کمتر از ۵۰ درصد است و بخشی از آن به این دلیل است که برخی از مقامات ایرانی نگران هستند که چنین توافقی قدرت آنها را کاهش دهد.

وبسایت اطلاع‌رسانی وزارت دفاع آمریکا نیز به نقل از مارتین دمپسی، رئیس ستاد ارتش آمریکا، می‌نویسد: «ایران باید پس از موضوع هسته‌ای به دلیل تهدیدهایی که در منطقه ایجاد کرده "بازخواست" شود. پایان دادن به بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران مشکل‌آفرینی این کشور برای منطقه را مرتفع نمی‌کند. آنها نفوذ شریانه‌ای را به روش‌های دیگر از جمله با دست نشانده‌ها و عوامل خود همچون حزب‌الله لبنان و نیروی قدس سپاه پاسداران اعمال می‌کنند. آنها بزرگ‌ترین قاچاقچی سلاح در منطقه هستند. آنان در حوزه سایبری به طرز شرارت‌باری فعال هستند. اگر رهبران ایران رفتار خود را تغییر ندهند، برای موضوعات دیگری بازخواست خواهند شد». دمپسی همچنین گفته است: «با وجود اینکه راه حل دیپلماتیک را برای حل مسأله هسته‌ای ایران ارجح می‌داند، اما معتقد است گزینه نظامی علیه ایران مطرح است». وی می‌افزاید: «آمریکا هنوز شمار قابل توجهی از نیروهای نظامی خود را در منطقه حفظ کرده است و در صورت شکست خط مشی دیپلماتیک، این نیروها در دسترس رهبران کشورم هستند».

۴-تعمیم مذاکرات به دیگر عرصه‌ها و معطوف‌سازی توافقات به

آنها

چاگ هیگل، وزیر دفاع آمریکا در گفتگو با شبکه «پی بی اس» اذعان می‌کند که این کشور موضوعات دیگری چون توان موشکی را هم بعد از حل مسأله هسته‌ای با ایران، مطرح خواهد کرد. وی می‌افزاید: «اگر بتوانیم در قالب ۵+۱ با ایرانی‌ها به توافقی برسیم که همه چیزهایی را که طرف ما می‌خواهد مقدور کند، خوب است. موضوع بعدی می‌تواند مسأله موشک‌های بالستیک باشد».

آلن ایر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با حضور در نشست گروه موسوم به «شورای ملی ایرانیان آمریکا» در کالیفرنیا می‌گوید: «واشنگتن برای دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران، نگرانی‌ها در مورد مسأله حقوق بشر را فراموش نمی‌کند. مقامات آمریکایی پیش از این هم بارها تصریح کرده بودند که حتی در صورت حل مسأله هسته‌ای، اختلافات با تهران بر سر موضوعاتی دیگر نظیر «حقوق بشر» و حمایت از گروه‌های مقاومت پابرجا می‌ماند». وی تهدید برنامه موشکی ایران را واقعی و معتبر خواند و گفت: «نشانه‌ای مبنی بر کند شدن پیشرفت برنامه موشک‌های بالستیک تهران وجود ندارد. این تهدیدی واقعی و معتبر است و ما قطعاً این تهدید را جدی می‌گیریم». در این زمینه بی‌بی‌سی نیز گزارش می‌دهد که مقامات آمریکایی پیش از این هم اعلام کرده بودند که اختلافات با ایران حتی در صورت حل مسأله هسته‌ای، تا حل شدن مسأله حمایت تهران از گروه‌های تروریستی، برنامه موشکی و مسأله حقوق بشر، ادامه می‌یابد. رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با پرداختن به مذاکرات ایران و ۱+۵، «از میان برداشتن توان ایران برای تولید تسلیحات هسته‌ای» را هدف اولیه و از بین بردن برنامه موشک‌های بالستیک ایران را هدف نهایی مذاکرات دانست. وی تأکید کرد که هر چیزی غیر از این یک شکست برای آمریکا است.

۵- ادامه رفتار پلیس خوب و بد

بهره‌گیری کاخ سفید از فشار کنگره و ظرفیت حزب جمهوری‌خواه برای افزایش فشار بر ایران در بین فعالان سیاسی به بازی پلیس خوب و پلیس بد در مواجهه با ایران تلقی شده است. در همین زمینه دوویچه وله گزارش می‌دهد که سناتورهای جمهوری‌خواه آمریکا خواستار مشارکت بیشتر کنگره این کشور در روند انجام توافق هسته‌ای با ایران‌اند. آنها همچنین در لایحه‌ای پیشنهادی خواهان تعیین مهلتی نهایی برای رسیدن به توافق در مذاکرات

هسته‌ای با ایران شدند. در آمریکا ۵ سناتور جمهوری خواه روز چهارشنبه (۲۴ ژوئیه / ۲ مرداد) لایحه قانونی را پیشنهاد کردند که طبق آن رئیس جمهور آمریکا، باراک اوباما، مجبور می شود متن هرگونه توافق نامه‌ای با ایران در مورد برنامه هسته‌ای این کشور را بلافاصله برای رأی گیری به کنگره تسلیم کند. باب کورکر، سناتور جمهوری خواه، گفت: «کنگره باید از هم خوانی توافقنامه اتمی با علائق امنیت ملی آمریکا مطمئن شود». سناتور جمهوری خواه، مارکو روبیو در این زمینه گفت: «هر توافقنامه نهایی در مورد مسأله‌ای به این مهمی باید در کنگره بررسی شود».

در مورد توافقنامه اخیر نیز صدای آمریکا به نقل از وب سایت آمریکایی واشنگتن فری بیکن که به دیدگاه‌های محافظه کاران آمریکایی نزدیک است، روز جمعه ۲۵ ژوئیه در گزارشی به قلم ادم کردو، نوشته است سناتورهای آمریکایی می کوشند کاخ سفید را از آزاد کردن ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار دیگر از دارایی مسدود شده ایران بازدارند، مگر آنکه دولت آمریکا به قانونگذاران اطمینان دهد که تهران این پول را صرف حمایت از تروریسم نخواهد کرد. به گزارش صدای آمریکا: این طرح قانونی، علاوه بر آنکه قصد دارد ایران را از مصرف این پول در راه تقویت تروریسم باز دارد، در عین حال می خواهد اطمینان یابد که تهران پول آزاد شده را برای توسعه برنامه موشکی بالیستیکی خود مصرف نخواهد کرد و نیز در صورتی که ایران به نقض حقوق بشر دست زند، این دارایی از آن دریغ خواهد شد.

۶- زمان بندی ۱۵ ساله برای توافق نهایی

دوپچه وله: غرب در پی توافقی ۱۰ تا ۲۰ ساله با ایران است. اما ایران تنها برای انجام توافق نهایتاً تا ۵ سال اعلام آمادگی می کند. قرار است پس از اتمام زمان توافق شده با ایران مثل یک عضو عادی امضاکننده ان پی تی برخورد شود. دیگر موضوع مطرح این است که ایران می گوید به محض نهایی

شدن توافق جامع بین ایران و ۵+۱ باید تحریم‌ها برداشته شوند؛ امری که مورد توافق سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپاست، اما آمریکا مخالفت می‌کند. آمریکا می‌گوید بهترین پیشنهادی که برای ایران دارد این است که تحریم‌ها را به تعلیق درآورد.

۷-اخلال در روند دستیابی ایران به درآمدهای نفتی

مشکلات ایران در دستیابی به پول‌های آزادشده در جریان توافقنامه مشترک از دیگر موضوعاتی بود که حتی رسانه‌های آمریکایی نیز به آن اذعان کردند. در همان دورانی که قرار بود بخشی از درآمد نفتی بلوکه‌شده ایران در قالب توافقنامه مشترک پرداخت شود، وال استریت ژورنال نوشت: آمریکا به تعهدات خود برای ایجاد برخی گشایش‌های اقتصادی برای ایران طبق توافق ژنو عمل نکرده است. این روزنامه تأکید کرده که آمریکا تا نداند پول‌ها در چه راهی خرج می‌شود پولی به ایران نخواهد داد. نویسندگان این مقاله در بیان علت این مسأله گفته‌اند: «بانک‌هایی که این پول‌ها در آن نگهداری می‌شود از آن بیم دارند که در صورت انتقال این وجوه به ایران، ناقض قانون تحریم‌های دولت آمریکا در نظر گرفته شوند و مورد مجازات آن قرار گیرند. وانگهی هنوز نتیجه گفتگوهای هسته‌ای ایران نامطمئن است و این موضوع هراس بانک‌های ذی‌نفع را مضاعف می‌سازد. هر مؤسسه مالی که قانون تحریم‌های ایران را نقض کند و از سیستم بانکی آمریکا بیرون رانده خواهد شد و در نتیجه از میلیاردها دلار درآمد معاملات تجاری‌اش با آمریکا محروم خواهد ماند و اگر هم از این سیستم خارج نشود با جرائم سنگینی مواجه خواهد شد».

کارشکنی در روند انتقال پول به ایران، ملزم کردن ایران به خرید کالاهای خاص از کشورها و...از جمله مشکلات متعددی بود که آمریکایی‌ها در روند استفاده ایران از پول‌های آزادشده در جریان اجرای توافقنامه مشترک

ايجاد كردند

۸- تلاش برای اثرگذاری بر روندهای داخلی ایران

اثرگذاری بر فرایندهای داخلی ایران را شاید مهم‌ترین موضوعی باشد که آمریکایی‌ها در روند مذاکرات دنبال می‌کنند. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، در پیام تبریکی به مردم ایران به مناسبت فرا رسیدن نوروز ۹۳ مدعی می‌شود که: «دشواری‌های اقتصادی که بسیاری از ایرانیان در سال‌های اخیر متحمل شده‌اند به دلیل انتخاب‌های رهبران ایران بوده است و آنها با چنین انتخاب‌هایی کشور خود و دنیا را از "مهارت‌های فوق‌العاده" ایرانیان محروم کرده‌اند، در صورتی که ایرانیان شایسته بهتر از این هستند». به گفته او: «پیشرفت دیپلماتیک واقعی می‌تواند به گشودن فرصت‌های جدید و سعادت برای مردم ایران در سال‌های آتی کمک کند و این همان پیامی است که مردم ایران سال گذشته در پای صندوق‌های رأی فرستادند». وی سپس ابراز امیدواری کرد که: «کل حکومت ایران نیز این پیام را بشنود؛ زیرا برای اولین بار در سال‌های بسیار فرصتی پدید آمده است که مسیری جدید را آغاز کنیم».

در این زمینه قطعنامه ۲۳ بندی راهبردهای پارلمان اتحادیه اروپا در قبال ایران که برخی از آنها جنبه مداخله در امور داخلی ایران را دارد را بعد از توافقنامه هسته‌ای، می‌توان دومین اقدام جدی غرب در مواجهه با ایران در سال‌های اخیر دانست. در این قطعنامه جنجالی که براساس گزارش خبرگزاری‌های غربی با اکثریت آرای نمایندگان پارلمان اروپا تصویب شده است، خواسته شده که «اتحادیه اروپا در همه روابطش با ایران مسأله حقوق بشر را در اولویت قرار دهد» و نیز تأکید شده است که «هرگونه سفر آتی هیأت پارلمان اروپا به ایران باید منوط به تعهد آنها [ایران] برای ملاقات با مخالفان سیاسی، فعالان جامعه مدنی و دسترسی به زندانیان سیاسی باشد».

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۹۳/۱/۲۰ در این زمینه می‌فرماید: "از برنامه‌های جبهه جهانی مقابل انقلاب اسلامی، که تلاش زیادی هم برای آن انجام داده،

تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلان و مقهور کردن اراده مدیریت سیاسی کشور است اما جبهه استکبار تا به امروز در این برنامه، شکست خورده و در آینده هم به لطف الهی شکست خواهد خورد."

۹- "مدیریت محاسبات" ایران

مایکل سینک، رییس مؤسسه واشینگتن و برخی دیگر از نظریه پردازان آمریکایی این ایده را مطرح کرده‌اند که ایران راهی جز توافق ندارد و حال که چنین است آمریکا باید از فرصت استفاده کند و تا می‌تواند بر درخواست‌های خود بیفزاید. خانم کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا در این زمینه می‌گوید: «هدف آمریکا از فشارها و تحریم‌ها تغییر محاسبات مردم ایران است. برای بسیاری از فعالان سیاسی کمترین تردیدی باقی نماند که بهره‌گیری از این راهبرد نوین که محصول مطالعات و برآوردهای مراکز نظریه‌پردازی و تصمیم‌سازی کاخ سفید است چاره‌ساز خواهد بود».

۱۰- هماهنگی با رژیم صهیونیستی

هاآرتص: «مقامات اسرائیل بر این باورند که تل آویو و واشنگتن تفاهمی دارند که براساس آن در چارچوب مذاکرات جاری بین ایران و شش قدرت در تلاش برای رسیدن به توافق نهایی در مورد برنامه هسته‌ای تهران، سیاست "غافل گیرکننده" وجود نخواهد داشت. براساس این تفاهم، کاخ سفید پیش از طرح خود برای برگزاری مذاکرات مستقیم دوجانبه با ایران در ژنو موضوع را پیش‌تر به مقامات تل آویو اطلاع داده است». یک مقام ارشد اسرائیل در گفتگو با هاآرتص اظهار داشت: «زمانی که مذاکرات برای توافق نهایی با ایران فوریه گذشته آغاز شد، کاخ سفید به حفظ شفافیت کامل در خصوص تماس‌های خود با ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور متعهد شد. آمریکا مدام مواضع خود را با اسرائیل هماهنگ می‌کند». یک مقام ارشد دولت آمریکا هم در این زمینه می‌گوید: «ما قبل از نشست دوجانبه، با تمام شرکای

خود از جمله اسرائیل و شرکای دیگر منطقه هماهنگی کردیم».

ب: آسیب‌شناسی روند گذشته مذاکرات

به رغم برخی دستاوردهای مذاکرات اخیر که ریشه آن را باید در نتایج تلاش‌ها و مجاهدت‌های دانشمندان هسته‌ای از یک سو و تلاش‌های تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و همچنین روند تحولات بین‌المللی و رقابت بین کشورهای حاضر در گروه ۱ + ۵ دانست، در سطح کلان ارتباطات کنونی فایده‌ای را نصیب ایران نکرده و بلکه سبب شده است که:

۱- لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت‌آمیز شده و توقعات طلبکارانه بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تربیون‌های عمومی مطرح کنند.

۲- آمریکایی‌ها به رغم مذاکرات دوجانبه و چندجانبه همان‌گونه که دیوید کوهن معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا تأکید کرده است، تلاش کرده‌اند که رژیم تحریم‌ها علیه ایران را حفظ کرده و تغییری در آن ایجاد نکنند.

۳- القای دوگانگی در ایران نسبت به روند مذاکرات و تبدیل آن به بستری برای چالش‌های داخلی، موضوعی است که در طی ماه‌های اخیر (همچون مصاحبه اوباما با نیویورک تایمز) محور اصلی راهبرد آمریکا بوده است. پیش از این مقام معظم رهبری یکی از راهبردهای اصلی آمریکایی‌ها در این روند را تغییر محاسبه مسئولان ایران دانسته تا از این طریق بتوانند روند چالش‌های اجتماعی را پی بگیرند و به زعم خود زمینه اعمال سلطه در روند مذاکرات را حفظ کنند.

۴- مبتنی بر این برآورد که ایران به نتیجه مذاکرات برای کاهش تحریم‌ها نیازمند است، آنها در نشست‌ها و جلسات کوشیده‌اند تا با طرح مطالبات جدید عملاً خود را در موضع ابتکار عمل قرار دهند.

۵- روند مذاکرات تا کنون سبب شده است که بی‌اعتمادی مردم و مسئولان ایران به آمریکا هرچه بیشتر ثابت شده و آنها را نسبت به روند حفظ

دستاورد‌های انقلاب اسلامی حساس کند.

۶- آمریکایی‌ها غنی‌سازی اورانیوم را بخشی از حق ایران مبتنی بر NPT نمی‌دانند و حتی تا آخرین لحظات در روند مذاکره وین ۶، واژه «حق ایران در استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای» را مطرح می‌کنند. در این نگاه تنها تعدادی محدود سانتریفیوژ نسل اول به عنوان نمونه آزمایشگاهی قابل پذیرش است.

۷- نگاه آمریکایی‌ها به روند مذاکرات کماکان بر راهبرد فشار- مذاکره استوار است و به رغم ایستادگی ایران تاکنون آنها هنوز متأثر از فضای داخلی به نتیجه‌بخشی آن امیدوارند.

۸- برخلاف روند اعتمادسازی ایران و اذعان چندین باره آژانس بر سلامت روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تکیه کلام اصلی آنها که در بیانیه اخیر جان کری هم بر آن تأکید شد، تکرار بی‌اعتمادی به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است.

۹- برآورد آمریکایی‌ها از نگاه برخی مسئولان ایرانی مبنی بر اینکه لغو تحریم‌ها را مهم‌تر از حفظ برنامه هسته‌ای و دستاوردهای آن می‌دانند، از دیگر دلایلی است که آنها را به اثربخشی تحریم‌ها امیدوار کرده است.

مجموعه این روندها و نوع عملکرد طرف آمریکایی سبب شد که مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با مسئولان دستگاه دیپلماسی کشور بر این نکته تأکید نمایند که مجموعه نشست و برخاست‌ها با آمریکایی‌ها مطلقاً تأثیری بر کم کردن دشمنی آنها نداشته و تا زمانی که دشمن آمریکا و اظهارات خصمانه دولت و کنگره آمریکا علیه ایران ادامه دارد، تعامل با آنها هیچ وجهی ندارد. ایشان در توضیح این مهم فرمودند: «در گذشته میان مسئولان ما و مسئولان آمریکا هیچ ارتباطی نبود، اما در یک سال اخیر به خاطر مسائل حساس هسته‌ای و تجربه‌ای که مطرح شد انجام بشود، بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس‌ها، نشست‌ها و مذاکراتی داشته باشند، اما از این

ارتباطات نه تنها فایده‌ای عاید نشد، بلکه لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت آمیزتر شد و توقعات طلبکارانه بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تریبون‌های عمومی بیان کردند». رهبر انقلاب افزودند: «البته مسئولان ما در نشست‌ها در جواب طلبکاری آنها، جواب‌های قوی‌تر و گاهی گزنده‌تر دادند، اما در مجموع معلوم شد مذاکره برخلاف تصورات برخی‌ها، به هیچ چیز کمک نمی‌کند». رهبر انقلاب در همین زمینه، افزایش تحریم‌ها را مورد اشاره قرار دادند و گفتند: «آمریکایی‌ها نه تنها دشمنی‌ها را کم نکردند بلکه تحریم‌ها را هم افزایش دادند! البته می‌گویند این تحریم‌ها، جدید نیست، اما در واقع جدید است و مذاکره در زمینه تحریم هم، فایده‌ای نداشته است».

ایشان افزودند: «البته در زمینه ادامه مذاکرات هسته‌ای، منع نمی‌کنیم و کاری که دکتر ظریف و دوستانشان شروع کردند و تا امروز هم خوب پیش رفتند دنبال می‌شود، اما این، یک تجربه‌ی کمی‌دی دیگر برای همه بود که متوجه شویم نشست و برخاست و حرف زدن با آمریکایی‌ها، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد و بدون فایده است». رهبر انقلاب در تبیین ضررهای ناشی از مذاکره با آمریکایی‌ها افزودند: «این کار ما را در افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها به تذبذب متهم می‌کند و غربی‌ها با تبلیغات عظیم خودشان، جمهوری اسلامی را دچار انفعال و دوگانگی جلوه می‌دهند». ایشان همچنین ضرر دیگر نشست و برخاست با آمریکا را ایجاد زمینه برای طرح توقعات جدید از سوی آنها دانستند. ایشان یادآور شدند: «تا وقتی وضع کنونی یعنی دشمنی آمریکا و اظهارات خصمانه دولت و کنگره آمریکا درباره ایران ادامه دارد تعامل با آنها نیز هیچ وجهی ندارد».

ج: رفتارشناسی دولت یازدهم در روند مذاکرات

یکی از پیامدهای مهم عملکرد آمریکایی‌ها، واقع‌گرا شدن مسئولان دستگاه دیپلماسی کشور در ماه‌های اخیر به رغم خوشبینی‌های اولیه نسبت

به روند و نتیجه مذاکرات است. جنایت قلمداد کردن تحریم‌های جدید آمریکا از سوی رئیس محترم جمهور و یا منوط کردن لغو تحریم‌ها به لغو تحریم‌های شورای امنیت از سوی وزیر امور خارجه است نشان‌دهنده این تحول است، اما وجود برخی از نگرش‌ها و رویکردها در تیم مذاکره‌کننده می‌تواند در چگونگی و روند رسیدن به توافق مؤثر باشد.

اول: دولت یازدهم با اعتماد به جامعه بین‌المللی بر آن است که می‌توان با نهادینه‌سازی برخی قواعد و هنجارهای مشترک بین‌المللی به سوی جامعه‌ای جهانی گذار کرد و در مذاکرات نتیجه‌ای بردبرد داشت. بر اساس چنین نگرشی است که محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، می‌گوید: «اگر آمریکا به دنبال بازی با حاصل جمع صفر در صحنه بین‌المللی باشد، هم خودش می‌بازد و هم طرف مقابل. باید این واقعیت را درک کنیم و دیگران را هم وادار به درک آن کنیم که سیاست خارجی عرصه بازی با حاصل جمع مثبت است و بازی برد - برد است».

فارغ از اینکه چنین نگاهی به چه میزان با واقعیت قرابت دارد، نکته اساسی آن است که لااقل دولت ایالات متحده در صحنه عمل چنین رویکردی را در قبال دیگر دولت‌ها به کار نبسته است و همانگونه که دکتر ظریف هم اشاره داشته‌اند، دولت ایالات متحده همواره به دنبال بازی‌ای با حاصل جمع صفر بوده است به گونه‌ای که همواره خود برنده و طرف مقابل بازنده نبرد باشد.

دوم: تأکید بر رفتار حقوقی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی رفتار دولت یازدهم در عرصه بین‌الملل را تشکیل داده است. اما در نظامی که تماماً براساس زور و قدرت شکل گرفته است و حتی قواعد و هنجارهای حقوقی آن نیز توسط قدرتمندان به مرحله تدوین رسیده است، دل‌خوش کردن به نهادها و قواعد حقوق بین‌الملل و

غفلت از سیاست بین‌الملل ساده‌انگاری محض است. به عبارت دیگر با غفلت از پارامترهای اصلی سیاست قدرت در عرصه سیاست بین‌الملل و پیروی حداکثری از رژیم‌ها، قواعد، نهادها و رویه‌های حقوق بین‌المللی، نمی‌توان قدرت‌های بزرگ دنیا را وادار به تسلیم شدن در برابر خواست و حقوق ملت ایران کرد. این امر به خصوص در شرایط کنونی و با دقت در نوع رفتار نهادهای پرطمطراقی چون سازمان ملل و شورای امنیت در قبال کشتار هزاران تن از کودکان و زنان بی‌گناه غزه بیش از پیش خودنمایی می‌کند. هرچند نباید تلاش‌های شبانه‌روزی دستگاه دیپلماسی کشور در این مدت را نادیده انگاشت، اما لزوم توجه همزمان به حقوق و سیاست بین‌الملل بی‌تردید ثمرات مطلوب‌تری را برای کشور و مردم به ارمغان خواهد آورد.

سوم: نوع نگاه به "دیپلماسی" و انتظار از آن، نکته دیگری است که در روند مذاکرات اخیر باید مورد توجه قرار گیرد. در یک نگاه دیپلماسی تنها در مذاکره و گفتگو خلاصه شده است، اما در نگاه دیگر معنای دیپلماسی مذاکره و گفتگو نیست، بلکه در خود حالتی از جنگ را نیز دارد. این امر به خصوص در شرایط مذاکره با طرفی که به لحاظ تاریخی سابقه چندان درخشانی از خود به یادگار نگذاشته است، معنا پیدا می‌کند. درک این معنا از مفهوم دیپلماسی آنگاه قابل تصور است که دیپلماسی را نه یک بازی با نتیجه برد-برد بلکه بازی‌ای با نتیجه برد- باخت بدانیم. به عبارت دیگر در این نوع از نگاه، عرصه دیپلماسی دیگر عرصه‌ای صرفاً برای بده‌بستان نیست، بلکه طرف مقابل تنها به فکر گرفتن است نه دادن. این ویژگی در وضعیت حاضر مذاکره میان ایران و آمریکا قابل مشاهده است. شواهد و قرائن نشان از آن دارد که اتفاقاً دولتمردان ایالات متحده چه جمهوری خواه و چه دموکرات، هموار منطق رئالیستی را در برخورد خود با دیگر دولت‌ها و به خصوص دولت ایران به کار بسته‌اند.

رهبر انقلاب در دیدار با وزیر امور خارجه و دیگر مسئولان این وزارتخانه این مهم را اینگونه مطرح نمودند: «در مسأله سیاست خارجی، دستگاه‌های دیگری هم مؤثرند، اما وزارت خارجه به عنوان یک سازمان موظف و ارتش منظم، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد... واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه پنجه انداختن است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت شکست خواهد خورد».

چهارم: نکته دیگر نگرانی و واهمه داشتن از حریف در مذاکره است. در حیات وحش قانونی وجود دارد مبنی بر اینکه هرگاه دو حیوان درنده با یکدیگر مواجه شوند، آنکه ترس بیشتری از خود نشان دهد، محکوم به شکست است. اساساً حتی در حیات وحش تنها قدرت فیزیکی طرفین تعیین کننده نتیجه نبرد نخواهد بود، بلکه ترس بیشتر و به تبع روحیه پایین تر خود موجبات تهاجم و درندگی حریف را در بر خواهد داشت. این امر به طرق دیگر در نظام بین الملل که از جهات بسیاری با حیات وحش مشابهت دارد نیز مصداق دارد.

عینی ترین و نزدیک ترین نمونه تاریخی آن را می توان در نوع رفتار دولت ایالات متحده با عراق و لیبی به نظاره نشست. این دولت ها با نشان دادن و علنی ساختن ترس خود از ایالات متحده و خلع سلاح نمودن داوطلبانه خود موجبات درندگی بیشتر دولت درنده آمریکا را فراهم ساختند. بی تردید ایران با هیچ کدام از کشورهای دیکتاتور مورد اشاره قابل قیاس نیست، اما در عرصه عمل و نظر متولیان دستگاه سیاست خارجی باید با بهره مندی از تجربیات تاریخی دیگر کشورها، این مهم را فهم نموده و در عرصه عمل و نظر به کار اندازند. عقب نشینی از مواضع نه تنها موجبات رفتار خوشایندتر طرف مقابل را به ارمغان نخواهد آورد، بلکه بی تردید در عرصه ای به نام نظام بین الملل که

دولت‌ها تنها به اهداف، امنیت و منافع ملی خود فکر می‌کنند موجبات دست‌اندازی بیشتر دیگر کنش‌گران را ایجاد خواهد کرد.

این نکته را رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با مسئولان وزارت امور خارجه اینگونه بیان داشتند: «پایبندی به موازین شرع در رفتارهای فردی و اجتماعی و در محافل دیپلماتیک، و نترسیدن از هیبت و تشر قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا، ویژگی خاص دیپلماسی ایرانی است و باید مورد توجه جدی باشد. نهراسیدن از قدرت‌های سلطه‌گر، بعد از انقلاب، به خصوصیت بارز سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شده که این ویژگی هم در دل ملت‌ها جاذبه ایجاد کرده و هم سیاست‌مداران دنیا را چه بگویند و چه پنهان کنند به تعظیم و تجلیل واداشته است».

ج: الزامات دستگاه دیپلماسی کشور برای مذاکرات آینده

دستیابی به نتایج مورد انتظار اگر چه منوط به تحول و تغییر نگاه دستگاه دیپلماسی کشور است، اما در یک برآورد اجمالی و با توجه به مؤلفه‌های بالا، از نگاه ایران حصول توافق در چهارماه آینده، منوط به تحقق شرایط زیر است:

- ۱- قطع پیوند نتیجه مذاکرات با کاهش یا لغو تحریم‌ها، دامن زدن به انتظار اجتماعی در این زمینه و شرطی کردن شرایط اقتصادی کشور با نتیجه مذاکرات نقطه اصلی امید دشمن به تحمیل شرایط خود در مذاکرات است.
- ۲- تغییر گفتمان فعالان سیاسی داخل و ناامیدسازی دشمنان نسبت به اثرگذاری مذاکرات یا تحریم‌ها بر فرآیندهای سیاسی داخلی. نشریه فارین‌پالیسی در این زمینه می‌نویسد که دولت اوباما مدت‌هاست امید بسته که رسیدن به توافق اتمی با ایران شاید بتواند نیروهای معتدل را تقویت و در طول زمان، رفتار ایران در منطقه تغییر کند! از سوی دیگر نوع واکنش به نتیجه و روند مذاکرات نباید بستری برای مرزبندی و چالش درونی در کشور

باشد و به معیاری برای جهنم و یا بهشت رفتن تبدیل شود.

۳- تأکید بر ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با فشارها و تحریم‌ها. در این عرصه تکیه بر راهبرد اقتصاد مقاومتی و تجمع ظرفیت‌های نظام برای تحقق عملیاتی آن، دشمنان را از اثربخشی تحریم‌ها ناامید می‌کند.

۴- ایستادگی و پافشاری تیم مذاکره‌کننده بر حداقل خواسته‌ها که بعضاً خطوط قرمز هسته‌ای ایران نامیده می‌شود و امکان چانه‌زنی روی آن را باقی نمی‌گذارد، در عین انعطاف برای راه‌های دستیابی به توافق، الگوی عملیاتی نرمش قهرمانانه است.

۵- مبتنی بر هدایت‌های مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان دستگاه دیپلماسی، تیم مذاکره‌کننده باید با واکنش هوشمندانه و قدرتمندانه خود امکان طرح توقعات و تعیین میدان بازی در مذاکرات را از طرف آمریکایی بگیرد.

۶- در دور آتی مذاکرات، تمرکز آمریکایی‌ها بر موضوعات نظامی و جلوگیری از انجام فعالیت‌های غنی‌سازی در فردو خواهد بود، عدم هوشیاری تیم مذاکره‌کننده در این عرصه و میدان یافتن بازرسان برای بازدید از مراکز نظامی ایران، می‌تواند تهدیدهای امنیتی برای ایران به دنبال داشته باشد.

۷- تداوم مذاکرات در چهار ماهه آینده نیازمند روحیه صلابت و اقتدار با تأسی به درس‌های انقلاب اسلامی در عبور از گردنه‌های سخت و دشوار نظیر دوران دفاع مقدس و در یک کلام روحیه و مدیریت جهادی است و این تیم مذاکره‌کننده ایران است که باید مبتنی بر مطالبات رهبری، احقاق حقوق مردم ایران را در عرصه مذاکرات مدیریت کند.

۸- بهره‌گیری از شکاف درون ۱+۵ با توجه به عدم امکان حفظ انسجام گذشته قدرت‌ها در مواجهه با ایران سبب شده است که اجماع بین‌المللی که در گذشته آمریکایی‌ها با تبلیغات خود علیه ایران ایجاد کرده بودند، از بین

برود.

۹- توجه به نیاز داخلی کاخ سفید برای به نتیجه رسانیدن مذاکرات و پیروزی بر رقبا در رقابت‌های داخلی آمریکا می‌تواند میدان مناسبی برای تحرک تیم ایرانی باشد.

۱۰- چالش‌های منطقه‌ای و ظرفیت ایران برای حل آن، موضوع دیگری است که آمریکایی‌ها در روند مذاکرات به آن چشم دوخته‌اند.

نقدپذیری دولت یازدهم از شعار تا عمل

بهزاد کاظمی

«انتقاد باید باشد، اما انتقاد باید با لحن خوب و منصفانه باشد و هدف از آن بی‌آبرویی و سبک کردن طرف مقابل نباشد که این روش کاملاً غلط است... انتقادهای منصفانه دشمنی نیست و کمک به دولت است. پاسخ به انتقادهای هم باید منطقی و با خونسردی داده شود».

(رهبر معظم انقلاب، دیدار با اعضای هیأت دولت یازدهم، ۹۳/۶/۵)

چکیده

انتقاد به عنوان یک فرآیند نظارتی بر عملکرد مجموعه مدیران و دولتمردان در جامعه از ضروریات رشد و ترقی فرد و اجتماع به شمار می‌آید. هدف از نقد و نقادی این است که نقاط قوت و ضعف تفکر یا رفتار انسانی را مشخص نموده و تذکر دهد به نحوی که افراد یا سازمان‌های مورد نظر بتوانند آن را در جهت مصالح و پیشرفت و رشد بیشتر و بهتر به کار ببرند. در واقع دغدغه انتقاد در جامعه حرکت از وضعیت موجود به طرف وضعیت مطلوب است.

جامعه بدون نقد، جامعه بدون پرسش است که جامعه‌ای مرده و بی‌روح می‌باشد و دچار یکنواختی شده و پیشرفت‌های دلخواه حاصل نمی‌شود. داشتن جامعه‌ای سالم، بانشاط و رو به رشد، از یک سو و شهروندانی آگاه و ناظر بر امور از سوی دیگر، دولت‌مردانی متواضع و پاسخگو با فرهنگ نقدپذیری را می‌طلبد.

در این نوشتار مختصر برآنیم که مقوله انتقاد و انتقادپذیری دولت یازدهم را بررسی کنیم.

مقدمه

انسان با وجود نفس اماره، همیشه در معرض لغزش قرار دارد. گاهی لغزش‌ها به گونه‌ای هستند که دیگران بیش از خود انسان، متوجه آن می‌شوند و چنانچه انسان هر از چندگاه در مسیر زندگی، خود را از زاویه دید دیگران ملاحظه کند، بهتر به لغزش‌های احتمالی خود پی می‌برد و بهتر می‌تواند به اصلاح بپردازد.

اصلاح فرد و اصلاح جامعه، در سایه «شناختن عیوب» و تلاش برای «زدودن عیوب» است. رشد انسان در گرو شناخت واقعیت هاست. آدمی در پرتو شناخت، راه بهره‌برداری از امکانات و نیروهای درونی خود و جهان را می‌آموزد، زندگی را بر اصول منطقی استوار می‌کند، بر مجهولات فائق می‌آید و مشکلات را یکی پس از دیگری از سر راه بر می‌دارد. کشف مجهولات و رشد شناخت، راه‌های فراوانی دارد و «انتقاد و انتقادپذیری» یکی از عوامل مهم رشد شناخت است که بر نقطه‌های ابهام انگشت می‌گذارد، و ضعف‌ها را نشان می‌دهد.

بی‌گمان، نقد به عنوان عاملی اصلاحی و پیش‌برنده، به برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و مدیران و مجریان، مجال بازنگری، همه‌سونگری و واقعیت‌نگری می‌بخشد و بسیاری از ریزش‌ها و دوباره‌کاری‌ها و تکرورهای را جلوگیری می‌کند و در نتیجه، طرح‌ها را در راستای سوددهی و بهره‌مندی بهتر و بیشتر قرار می‌دهد.

بنابراین در اصل نیاز انسان و جامعه و مدیران به نقد و بایستگی وجود نقادان تیزبین در اجتماع نمی‌توان تردید کرد، اما این نیمی از کار است، نیم دیگر که کامل‌کننده این بخش است، مسأله «نقدپذیری» و به کار بستن نقد ناقدان است.

نقدپذیری به عنوان خوی و خصلتی انسانی و اسلامی، نقش مهمی در فرو

نشاندن آسیب‌ها و آفت‌های فردی و اجتماعی دارد. رواج فرهنگ نقدپذیری در اجتماع، کمک فراوانی به پایان دادن درگیری‌ها می‌کند. به همان اندازه که نقد و نقادی مایه کمال و رشد رفتارها و عملکردهاست، نقدپذیری نیز زمینه‌ساز بسیاری از خوش‌بینی‌ها و امیدواری‌ها نسبت به اصلاح امور است. دست‌اندرکارانی که از نقد استقبال می‌کنند و از آن بیم و ترسی ندارند، از مدیریتی بهتر و کمال‌یافته‌تر برخوردارند و کمتر دچار چالش، دوباره‌کاری و نابسامانی می‌شوند.

تلخی نخستین نقد و انتقاد، با دستاوردهای شیرین آن از میان می‌رود. پیامدهای سازنده و سودمند نقد سبب می‌شود که آدمی همواره خود را در دید نقد دیگران بگذارد و هیچ‌گاه کارکرد خویش را از آن بی‌نیاز نداند.

مفهوم انتقاد

انتقاد، یعنی «سره کردن، جداکردن درهم‌های سره از میان ناسره، آشکار کردن عیب شعر بر قائل آن، جدا کردن کاه از دانه.» در روزگار گذشته که داد و ستد، با نقره سکه زده‌شده انجام می‌گرفت، افرادی بودند که سرب را به گونه پول رایج سکه می‌زدند و با پول‌های نقره می‌آمیختند. در مقابل، افراد خبیره و کارشناسی بودند که به آنان «ناقذ» گفته می‌شد. ناقذ با سنگ محک و نگاه خبیره خود، هرگونه تقلبی را در مسکوکات رایج، تشخیص می‌داد و سره را از ناسره جدا می‌کرد.

نقد در اصطلاح عبارت است از بررسی آگاهانه و روشمند هرگونه رویکرد و پدیدار انسانی - اجتماعی به منظور صراحت بخشیدن به نقاط ضعف و قوت آن و برجسته کردن آنها.

«انتقاد» از دیدگاه علم مدیریت

از دیدگاه‌های مدیریتی، امروزه انتقاد یکی از شیوه‌های کارآمد

مدیریتی است. انتقاد، مشاوره‌ای است که مدیران از طریق افراد تحت پوشش خود به رایگان از آن برخوردار می‌شوند. برای مدیران موفق و لایق شناخت ناهنجاری‌ها و مشکلات حوزه مسئولیت‌شان از طریق انتقاد همان اندازه‌ای ضروری است که پیدا کردن تدابیر لازم برای حل آنها.

کارشناسان علوم مدیریتی معتقدند از آسیب‌های رایجی که می‌تواند هر مجموعه را تهدید کند گرایش مدیران آن مجموعه به تشخیص‌های فردی و کم‌توجهی و بی‌اعتنایی به نظریات عمومی و در یک کلام بستن فضای انتقاد است. یکی از خصوصیت مدیران موفق گرایش به مشارکت‌طلبی است و از باز کردن فضای انتقاد هیچ‌گونه نگرانی ندارد.

دیدگاه امام خمینی^(ره) و امام خامنه‌ای درباره «انتقاد»

حضرت امام خمینی^(ره) تأکیدهای روشنی درباره نقد و نقدپذیری دارند:

«نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها» [صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۴۵۲].

«...اگر یک چیزی را دیدید که واقعاً خلاف کردید، اعتراف کنید و این اعتراف شما را در نظر ملت‌ها بزرگ می‌کند، نه این که اعتراف به خطا شما را کوچک می‌کند» [صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۹۳].

امام خامنه‌ای نیز اقشار مختلف جامعه را نسبت به نقد و نقدپذیری راهنمایی فرموده‌اند:

«انتقاد هیچ اشکالی ندارد. نگاه منتقدانه هیچ اشکالی ندارد، منتها انتقاد درست؛ بی انصافی نشود» [بیانات در دیدار دانشجویان؛ هفدهم رمضان ۱۴۳۳].

«نقد مستمر، نظارت مستمر و متعادل بر اوضاع کشور، بر مدیریت‌ها، جزو

کارهای بسیار لازم است» [همان].

«اشکالی ندارد که مسئولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعف های آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار می کند» [خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۸/۰۶/۲۰].

«آنجایی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند نظام هیچ گونه مسأله ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان می کنند؛ نظام برخورد نمی کند» [خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۲۱ رمضان ۱۴۳۰].

«منتقدان دولت، انصاف و شرح صدر را رعایت کنند... مسئولان دولتی هم در برابر منتقدان شرح صدر داشته باشند» [دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹].

وعده ها و اظهارات رئیس جمهور در زمینه نقدپذیری دولت

گزیده ای از سخنان رئیس جمهور در خصوص برخورد صحیح با منتقدان به شرح زیر است:

- خدایا به تو پناه می برم از استبداد رأی و عجله در تصمیم گیری و تقدم نفع شخصی و گروهی به منافع مردم. همچنین به تو پناه می برم از بستن دهان منتقدان و رقیبان. یاری ام کن بنده مخلصی برای تو و خادم لایقی برای تو باشم و فراموش نکنم آنچه بر پیشینیان رفته است (مراسم تنفیذ - تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۲).

- در مجموع همه سخنان نمایندگان محترم در چارچوب آیین نامه انجام شده است. گرچه برخی از رسانه ها نسبت به نوع سؤالات، انتقادات، لحن انتقدانه ای داشتند و منتقد بودند و حتی گاهی از اصطلاح "اعتراف گیری"

استفاده کردند، ولی به نظر من همه مباحث و سخنان و نقدها حق نمایندگان محترم بوده است. حتی می‌خواهم به رسانه‌ها بگویم که برخی نقدها و سؤالات نمایندگان برای آن بود که شبهات در ذهن مردم و در کشور برطرف شود و به اعتقاد من این کار به خوبی انجام گرفت، اگر شبهه‌ای در رسانه‌ای و در ذهن مردم مطرح باشد و اگر نماینده محترم آن را مطرح کند، این کمک به دولت است؛ چون کمک کرده است تا واقعیت بهتر برای افکار عمومی تبیین شود (پایان بررسی صلاحیت وزرا - ۲۴ مرداد ۱۳۹۲).

- ما منتی نداریم، نقد را می‌پذیریم و در واقع موظف هستیم که نقد و نصیحت را بپذیریم. دولت از موعظه حسنه، نقد سازنده و نصیحت اسلامی استقبال می‌کند و این موجب تقویت دولت است؛ چرا که دولت و کارگزاران مصون از اشتباه نیستند و نصیحت دلسوزانه می‌تواند از ادامه خطا جلوگیری کند (بیست و دومین همایش ائمه جمعه - ۱۹ شهریور ۱۳۹۲).

- بسیاری از سوالات، اشکالات، ایرادها و نقدها گاهی ممکن است که ظاهر آن ظاهر زیبایی نباشد و حتی گاهی استماع آن برای ما کمی سخت باشد، اما جوانی که دارای سؤال و اشکال است نه در حوزه علمیه رشد و نمو کرده و نه گوش و چشمش بر روی سؤال‌ها، نقدها و مسائل مختلفی که در جهان مطرح است بسته است؛ بنابراین باید این سؤالات و اشکالات را با حسن نیت مطرح کنیم و با آن برخورد کنیم (همان).

- یکی از مشخصات این دولت این است که انتقادپذیر است و هر کس با هر لحنی انتقاد کند، البته ما دلمان می‌خواهد لحن انتقاد کاملاً مؤدبانه و اخلاقی باشد و اعتراض حتماً در چارچوب قواعد بازی باشد، به هر حال دولت از این به بعد قدم‌های بلندتری خواهد برداشت و این قدم کوچک دولت خواهد بود. برخی ممکن است مخالف باشند و یا اعتراض کنند. حق آنهاست که اعتراض کنند، اتفاقاً من خودم به دو دستگاه مهم نظرسنجی گفتم که در

کشور نظرسنجی دقیق کند و نظر مردم را بگیرند تا ببینیم این حرکت دولت که گامی به پیش گذاشته است، چقدر موافق و چقدر مخالف دارد، حتی اگر مخالفین راه این دولت یک درصد باشند، آن یک درصد حق دارند حرف بزنند و نقد کنند. منتها همه یادمان باشد که در صحبت، نقد و انتقاد حتماً منافع ملی را در نظر قرار دهیم. حتماً نقد ما سازنده باشد و اخلاقی باشد، همه ما، حالا ممکن است دولت هم به کسی نقد داشته باشد و آن هم به همین صورت است، هیچ اشکالی ندارد اگر کسی نظری و نقدی دارد بیان کند (دهم مهرماه ۱۳۹۲ - جلسه هیات دولت).

- دولت، دولتی مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در برابر ملت و انتقادپذیر خواهد بود. دولت به انتقاد سازنده افتخار می‌کند. همه یادمان باشد، باید به فکر انتقاد باشیم. هیچ کس به فکر انتقام نباشد. همه ما تلاش کنیم، نقد سازنده، همان جمله النصیحه لائمہ المسلمین. نصیحت یعنی دلسوزی و با اخلاص سخن گفتن و با گفتار صحیح کمک کردن. نصیحت به معنای کمک از راه سخن دلسوزانه است. همه ما باید نقد را بپذیریم یادمان باشد همه ما ممکن است اشتباه کنیم. این دولت اگر در مورد خاصی اشتباه کرد، به صراحت به مردم خواهد گفت و به صراحت از مردم عذرخواهی خواهد کرد (مراسم سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی).

- دولت در برابر همه موافقان، حامیان، منتقدان و حتی مخالفان سر تکريم و تعظيم فروود می‌آورد. گرچه گروهی با زبان تکريم با دولت سخن نگویند، اما پاسخ ما به آنها با ادب و احترام و کرامت خواهد بود و ما برای صلح، آشتی و برادری کنار هم جمع شده ایم (مراسم «جشن انتظار و امید» در تاریخ ۲۲ خرداد ۹۳).

- منتقدان مخالفان این دولت آزاد هستند و آزاد خواهند بود. این افتخار دولت است. در هیأت وزیران به مسئولان گفته‌ام که نباید شکایتی از طرف

دولت نسبت به روزنامه و رسانه باشد. می بینید که امروز انتقاد صریح می کنند و این حق آنهاست (اختتامیه بیستمین جشنواره مطبوعات).

عملکرد دولت یازدهم در نقدپذیری

یکی از اتفاق های نادر عرصه سیاست در ایران که در پی مشکلات مربوط به نحوه توزیع سبد کالا در سال ۹۲ صورت گرفت عذرخواهی رئیس جمهور به طور رسمی بود و بارقه امید را برای نهادهای ساز فرهنگ نقدپذیری در دل ها روشن ساخت. اما بررسی عملکرد یک ساله دولت یازدهم نشان می دهد که این دولت به مرور، رفتار خود با منتقدان را در برخی موارد تغییر داده و روندی مغایر با شعارها و وعده های اعلامی در خصوص نقدپذیری را در پیش گرفته است. نمونه هایی از این رفتارها را مرور می کنیم.

۱. برخورد و تهدید به برخورد امنیتی با عوامل مستند «من روحانی هستم» از سوی برخی دولتمردان

۲. بی سواد خواندن منتقدان

رئیس جمهور که روز ۱۷ بهمن سال ۹۲ در جمع رؤسای دانشگاه و مراکز آموزشی و پژوهشی حضور پیدا کرده بود در اظهاراتی منتقدان توافق ژنو را مورد انتقاد شدید خود قرار داد.

دکتر روحانی گفت: «لااقل این توافق ژنو اولین گشایش برای دانشگاه و برای پول دانشجویها بود؛ فقط یک عده معدود که از جای معدود تغذیه می شوند. آنها باید حرف بزنند؟ آنها هم البته حرف بزنند اشکال ندارد، نقد کنند اشکال ندارد؛ چرا فقط یک عده کم سواد بیایند حرف بزنند؟ استادان دانشمند ما بزرگان دانشگاه ما خصوصی چرا حرف می زنند ولی نمی آیند در میدان؟»

اظهارات حسن روحانی موجی از انتقاد را میان جامعه و منتقدان توافق ژنو که پیش از این، نقد خود را نسبت به این توافقنامه ابراز کرده بودند،

برانگیخت. برخی از اساتید دانشگاه که در جایگاه منتقدان توافق ژنو قرار داشتند با انتشار بیانیه‌هایی نسبت به ادبیات به کار گرفته شده از سوی رئیس جمهور انتقاد کردند.

۳. توقیف مطبوعات منتقد و برخورد دوگانه دولت

روزنامه اصلاح طلب بهار مقاله‌ای را در روز عید غدیر سال ۹۲ منتشر کرد که بخش‌هایی از این مقاله ولایت امیرالمؤمنین علی^(ع) را زیر سؤال برد. پس از ثابت شدن توهین این مقاله به جایگاه ولایت، و پس از بررسی‌های صورت گرفته روزنامه «بهار» از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات توقیف شد.

علی جنتی وزیر ارشاد به عنوان یک عضو هیأت نظارت بر مطبوعات در هشتم آبان سال گذشته گفت: «من نظر هیأت نظارت بر مطبوعات را در این باره اعلام کردم و نظر شخصی نمی‌دهم؛ من از توقیف روزنامه بهار متأسفم و امیدوارم راه‌های دیگری به جز توقیف پیدا کنیم».

با بالا گرفتن انتقادات از توافقنامه ژنو، برخورد با رسانه‌های منتقد این توافقنامه نیز روند جدی تری به خود گرفت. در جلسه مورخ ۱۷ دی ماه سال ۹۲ هیأت نظارت بر مطبوعات حکم تعطیلی هفته نامه «یالشارات» را صادر کرد.

در همان جلسه نیز روزنامه وطن امروز که در گزارشی به انتقاد از توافقنامه ژنو پرداخته بود به دلیل آنچه «نقض مصوبه شورای عالی امنیت ملی» عنوان شد، از این هیأت تذکر گرفت و پرونده این روزنامه نیز به مراجع قضایی ارسال شد.

اما نکته قابل توجه نظر وزیر ارشاد دولت یازدهم در مورد توقیف هفته نامه یالشارات بود. علی جنتی با اشاره به توقیف این هفته نامه گفت: «آنچه که در چندین شماره اخیر این نشریه بررسی کردیم مشحون از نشر اکاذیب، توهین‌های بسیار بارز به رئیس جمهوری، اعضای دولت و مقامات کشور است؛

در این نشریه نوعی لمپنیسم در بکارگیری کلمات و ادبیاتی در سطح بسیار سخیف و زشت مشاهده می‌شود.»

وزیر ارشاد در ادامه انتقاد تند خود از هفته‌نامه یالثارات تصریح کرد: «اگر هیأت نظارت می‌خواست با این نشریه برخورد کند باید لغو پروانه می‌شد؛ سوابق یک سال گذشته این نشریه تاکنون نشان می‌دهد هیأت نظارت بارها به دنبال توقیف آن بوده‌اند؛ هرکسی که این هفته‌نامه را بخواند عادلانه می‌تواند قضاوت کند که این هفته‌نامه در شأن جمهوری اسلامی نیست.»

این نگاه تند وزیر دولت یازدهم نسبت به یک روزنامه منتقد دولت در کنار نگاهی متفاوت نسبت به توقیف یک روزنامه اصلاح‌طلب حامی دولت، مسأله برخورد دوگانه دولت با رسانه‌ها را تقویت می‌کرد.

همچنین روز اول اسفند سال گذشته روزنامه تازه تأسیس و اصلاح‌طلب "آسمان" به دلیل انتشار مطلبی از قول دکتر هرمیداس باوند و غیر انسانی خواندن حکم قرآنی قصاص، از سوی مراجع قضایی توقیف شد.

وزیر ارشاد یک روز پس از توقیف روزنامه آسمان در برابر پرسش خبرنگاران درباره توقیف این روزنامه گفت: «در این رابطه الان اظهارنظر نمی‌کنم چون توقیف روزنامه دست ما نیست.»

علی جنتی با این اظهار نظر سعی کرد تا پای دولت را از توقیف این نشریه بیرون بکشد. اما تقریباً یک ماه بعد و در روزهای پایانی سال ۹۲ خبر توقیف هفته‌نامه «۹ دی» جنجال‌آفرین شد. علت توقیف «۹ دی» نیز از دید مدیر مسئول آن، نقد عملکرد دولت یازدهم در بخش‌های مختلف به ویژه موضوع هسته‌ای بود.

علی جنتی وزیر ارشاد در حاشیه اولین جلسه هیأت دولت در سال ۹۳ در این باره اظهار داشت: «با توجه به تذکرات متعددی که به هفته‌نامه «۹ دی» در سال گذشته داده شد و مورد توجه قرار نگرفت، هیأت نظارت تصمیم به

توقیف گرفته است».

مسأله‌ای که در این میان و در انتقاد به عملکرد دولت در برخورد با رسانه‌ها از سوی برخی مطرح شد، این بود که چرا دولت زمانی که روزنامه‌های منتقد عملکردش توقیف می‌شوند، این موضوع را تصمیم اکثریت اعضای هیأت نظارت و پس از تذکرات گسترده عنوان می‌کند ولی زمانی که یک نشریه حامی دولت توقیف می‌شود، آقای وزیر این توقیف را تأسف بار و به دلیل تمایل اعضای دیگر هیأت نظارت معرفی می‌کند؟!۴

۴. شکایت از نمایندگان منتقد دولت

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به خاطر سخنان و مصاحبه‌های جواد کریمی قدوسی، نماینده مردم مشهد در مجلس، در ارتباط با توافق هسته‌ای ژنو از وی شکایت کرد.

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ خاطرنشان کرد: «با توجه به اینکه سخنان و مصاحبه‌های آقای کریمی قدوسی در راستای ایفای نقش نمایندگی بوده و متضمن هیچ اقدامی خلاف امنیت ملی نیست، این نماینده مجلس به کمیسیون اصل نود شکایت کرد.»

دومین نماینده‌ای که مورد شکایت شورای عالی امنیت ملی قرار گرفت، سید محمود نبویان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود. وی نیز به دلیل آنچه سخنرانی خلاف منافع ملی ذکر شده بود، مورد شکایت قرار گرفت.

۵. واکنش تخریبی به نقدهای دلسوزانه علما نسبت به مسائل فرهنگی

دکتر حسن روحانی ۱۰ خرداد ۱۳۹۳ در دیدار کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست و نهادهای مدنی در واکنشی به انتقادات دلسوزان گفت: «عده‌ای مدام غصه دین و آخرت مردم را می‌خورند در حالی که نه می‌داند، دین چیست و نه آخرت. اما همیشه غصه آخرت را می‌خورند».

عملکرد ضعیف فرهنگی دولت یازدهم از ابتدای کار با اتخاذ برخی تصمیم‌های انحرافی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهود بود. به طوری که با گذشت چند ماه از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید علما و بزرگان و کارشناسان با ابراز نگرانی از وضعیت فرهنگی کشور نسبت به برخی اقدامات ضد فرهنگ دولت جدید ابراز نگرانی کردند. در همین حال بود که رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری با اشاره به اوضاع آشفته فرهنگی ابراز نگرانی کرده و از مسئولان خواستار رسیدگی به این فاجعه فرهنگی شدند. ایشان در این دیدار می‌فرمایند:

«از مسائل فرهنگی نگرانم و در این نگرانی نمایندگان محترم خبرگان سهیم هستیم دولت محترم باید به این موضوع توجه کند و مسئولان فرهنگی نیز باید توجه داشته باشند که چه می‌کنند؛ زیرا در مسائل فرهنگی نمی‌توان بی‌ملاحظگی کرد. مسأله فرهنگ مهم است؛ زیرا اساس ایستادگی و حرکت نظام اسلامی، مبتنی بر حفظ فرهنگ اسلامی و انقلابی و تقویت جریان فرهنگی مؤمن و انقلابی است».

بعد از ابراز نگرانی مقام معظم رهبری بود که علی‌جنتی وزیر فرهنگ دولت تدبیر در نامه‌ای به ایشان اعلام می‌کند که با تمام توان خود در راستای اعتلای فرهنگ تلاش کند، اما این نامه در حد حرف بود و همان سیاست‌های اشتباه ادامه یافت. از همین‌رو بود که مراجع و بزرگان کشور نسبت به برخی مواضع دولت انتقاد منصفانه کردند.

همچنین آیت‌الله سیداحمد خاتمی در نماز جمعه تهران ضمن انتقاد از برخی مواضع روحانی می‌گوید: «مسئول محترمی گفته است به زور شلاق نمی‌توان مردم را راهی بهشت کرد. این جمله سه معنا را دارد؛ یک معنایش هم ما قبول داریم و آن معنا این است که مکتب ما مکتب منطق و استدلال است و مکتب شلاق نیست، سیره پیامبر^(ص) هم همین بوده و این برداشت از

این جمله معنای درستی است و جنجال نیز ندارد».

آیت‌الله خاتمی ادامه داد: «اما اینکه آن را اینطور معنی کنیم که مردم را آزاد بگذاریم هر کاری خواستند بکنند در عرصه اخلاقی، اقتصاد و فرهنگ آزاد باشند امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم به صراحت می‌گویم این معنی مورد تأیید هیچ کس نیست و معنای نادرستی است».

وی در مورد معنای سوم برداشت شده از این جمله نیز گفت: «اگر معنای این حرف این باشد که ما حتی موظف نیستیم جاده بهشت را صاف کنیم این معنی هم درست نیست. اصلاً رسالت حکومت دینی هم همین هست که جاده بهشت را صاف کند، مأموریتش هم این است حکومت وظیفه دارد جاده را هموار کند برای بهشتی شدن مردم. این تحلیل بدون هیچ گونه موضع‌گیری انجام شده است».

خطیب نماز جمعه در ادامه گفت: «قصه حجاب مسأله روز جامعه است و دغدغه قاطبه متدینین. اول اینکه مسأله حجاب از احکام قطعی اسلام است و بیش از ۱۰ آیه قرآن درباره حجاب داریم. همه فقها هم در معنای حجاب متفق هستند که خانم خودش را بپوشاند و به صورت ساده و نه آرایش کرده به بیرون برود که این زیربنای قرآنی و حدیثی دارد».

سخنان سیداحمد خاتمی در واقع انتقادی دلسوزانه نسبت به اظهارات رئیس‌جمهور درباره شلاق و بهشت بود که گفته بود: «این قدر هر روز در زندگی مردم مداخله نکنیم حتی با نگاه دلسوزانه. با زور و شلاق نمی‌توان مردم را راهی بهشت کرد؛ چرا که پیغمبر بشیر و نذیر بود و مردم را امید می‌داد و مردم را انذار می‌کرد. بیاپیم بشیر و نذیر باشیم و کاری کنیم در جامعه آرامش باشد. دعوای جناحی، گروهی و حزبی تا حدی بد نیست و فلفل کمش مشکلی ندارد، اما نمی‌توان غذا را پر از فلفل کرد. اگر در بحث انتخابات شش ماه قبل از هر انتخاباتی دعوا داشته باشیم اشکالی ندارد، اما

نباید به محض پایان انتخابات، تا انتخابات بعد دعوا کنیم».

۶. «طررد» و «توهین» نسبت به منتقدان با تعبیری نظیر «به جهنم» و «بزدلان سیاسی»

این اظهارات در زمانی ایراد شد که کمترین انتقادهای، به سیاست‌های دولت در کشور مطرح شده و مدتی بود که منتقدان دولت چه در بخش سیاست خارجی و چه در بحث اقتصادی به جای انتقاد، سکوت کرده بودند تا فرصت بیشتر برای فعالیت مؤثر دولت در حوزه‌های مختلف فراهم شود.

در خصوص سخنرانی تند و لحن غیر منتظره رییس جمهور که روز ۹۳/۵/۲۰ در همایش سالانه سفرا و نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، منتقدان سیاست خارجی دولت را با خطابی تعجب برانگیز بزدل سیاسی خواند و به جهنم حواله داد می‌توان دو دیدگاه را مطرح نمود:

اول غلبه احساسات و خشم آنی و دوم اجرای یک رفتار سیاسی برنامه‌ریزی شده.

برخی از تحلیل‌گران بر این باورند شواهد و قرائن بسیاری وجود دارد که دیدگاه دوم را تقویت می‌کند. شواهد مورد اشاره این گروه چنین است:

اول اینکه مذاکرات هسته‌ای آنگونه که رئیس جمهور محترم به آن خوشبین بود پیش نرفته است. از این رو ایشان به دنبال کسانی می‌گردند که این عدم موفقیت احتمالی را بر آنان خراب کنند. همچنین با توجه به اینکه دولت در خصوص مهار تورم، کشور را با رکود قابل توجهی مواجه کرده است. در نهایت هدف اصلی رئیس جمهور نه تاختن به منتقدان رویکرد هسته‌ای که "انحراف افکار عمومی از چند واقعه مهم غیرسیاسی" بوده است. همزمانی سخنرانی آقای روحانی با صدور رأی دادگاه لاهه به نفع امارات در پرونده کرسنت، افزایش انتقادات از رانت ۶۵۰ میلیون یورویی، سقوط هواپیمای مسافربری و کشته شدن حدود ۴۰ هموطن و استیضاح وزیر علوم،

تحلیل بالا را به واقعیت نزدیک تر کرد.

در چنین شرایطی ایجاد یک محور ثانویه و منحرف ساختن نگاه ها به سمت موضوعی حاشیه ای و کاذب می توانست تا مدتی خیال دولتمردان را از پاسخگویی به چند اشتباه سهمگین راحت کند؛ کاری که رئیس جمهور یک تنه آن را بر عهده گرفت، حتی به بهای عبور از شعارها و وعده های خود.

اهداف برخورد دور از انتظار دولت یازدهم با منتقدان

تحلیل گران بر این باورند که اهداف دولت یازدهم در برخورد دور از انتظار با منتقدان را می توان در موارد زیر تبیین کرد:

الف) انحراف افکار عمومی از مسائل اصلی کشور

در این خصوص سعی دارند بار روانی رکود اقتصادی کشور ناشی از سیاست های مهار تورم را در افکار عمومی کمرنگ کنند و به اصطلاح ریل افکار عمومی را از مسائل اقتصادی به هیاهوی سیاسی منتقل نمایند و همچنین در این هیاهو مانع از انتقاد منتقدان به سیاست های جدید اقتصادی دولت شوند.

ب) فرار به جلو و عدم پاسخگویی به وعده های تحقق نیافته

نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی دیگران در مسائل موجود و فرار به جلو برای استفاده بهینه از فرصت به طوری که ضمن رویارویی با مشکلات، کمترین میزان خسارت به وجود آید را نیز می توان از اهداف دیگر برخورد نامعتدل با منتقدان قلمداد نمود. دولت یازدهم به دلیل ناکامی در برآورده ساختن بسیاری از وعده های انتخاباتی اش راهی جز فرار به جلو ندیده و با حمله به منتقدان درصدد کسب محبوبیت میان حامیان بوده است.

مردم و افکار عمومی در یک سالگی دولت یازدهم منتظر گزارشی از میزان تحقق وعده های انتخاباتی رییس جمهور به ویژه در سه حوزه «اقتصاد»

«فرهنگ» و «سیاست» بودند، ولی هجمه سنگین به منتقدان و تمرکز بر حواشی به جای متن، می‌تواند تا حدودی فرصت فرار از پاسخگویی دولتمردان دولت یازدهم به وعده‌های تحقق نیافته را فراهم سازد.

ج) زمینه‌سازی تدریجی برای دستیابی به اکثریت در مجلس دهم

با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس دهم، برخی دولتمردان سعی در ایجاد فضایی دارند که حل نشدن مشکلات کشور را بر گردن عده‌ای خاص یعنی همان منتقدان و به‌ویژه اصولگرایان بیندازند تا بتوانند در فضای تخریب رقبای سیاسی، نتیجه انتخابات مجلس را به سود همفکران خود عوض کنند.

اصلاح‌طلبان و کارگزاران حاضر در دولت یازدهم با هدف رویگردانی مردم از دولت یازدهم و گردش به سمت تجدیدنظرطلبان در تلاش هستند به بازسازی گذشته خود بپردازند و با عبور از روحانی نتیجه آن را در انتخابات مجلس دهم و پس از آن در ریاست‌جمهوری سال ۹۶ برداشت کنند.

د) ارباب و هزینه‌تراشی برای منتقدان

اظهارات جنجال‌برانگیز و هزینه‌زا از زبان برخی دولتمردان به شکل خاصی بیان می‌شود تا بلکه با بی‌ارزش جلوه دادن منتقدان و محتوای انتقادات آنان را وادار به ترک انتقاد از دولت نمایند.

ه) بهره‌برداری در مذاکرات ایران با گروه ۱+۵

گروه زدن سرنوشت دولت و برنامه‌های آن به مذاکرات ایران با گروه ۱+۵ کاری اشتباه بود که با اتخاذ سیاست نگاه به بیرون و درهای باز تا حد زیادی صورت گرفت و اکنون برای رسیدن به نتیجه مورد نظر دولت یازدهم لازم می‌بینند فشار منتقدان باید از روی دولت برداشته شود. بر این اساس، احتمالاً آقای روحانی نیز به این نتیجه رسیده که مذاکرات به شکست می‌انجامد و از آنجا که او منتقدان عملکرد هسته‌ای، دولت را در این شکست دخیل می‌داند، به آنان پرخاش کرده است.

تحلیل دیگر این است که روحانی در آستانه سفر خود به نیویورک برای شرکت در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواسته است اراده و جدیت خویش را برای رسیدن به توافق جامع بر سر برنامه هسته ای هم به رخ منتقدان داخلی خود بکشد و هم به طرف های مذاکره کننده این پیام را بفرستد که دولت علی رغم فشارها برای رسیدن به توافق آمادگی دارد.

نتیجه گیری

انتقاد و نقدپذیری لازمه جامعه پویا و در حال رشد است و پرهزینه کردن یا جلوگیری از انتقاد نسبت به مسئولان و دولتمردان دارای پیامدهای منفی خواهد بود که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. موجب گسترش و رشد روحیه استبداد و خودرأیی می شود که عقب ماندگی جامعه و احياناً تصمیمات سیاسی- اجتماعی ضعیف توسط مسئولان و اقدامات نادرست مسئولان را در پی دارد و نارضایتی مردم را فراهم خواهد آورد.

۲. با جلوگیری از انتقاد در واقع برای چشم های نظارتی بر عملکرد دولتمردان محدودیت ایجاد شده و روحیه تملق گویی و چاپلوسی رواج خواهد یافت.

۳. ایجاد محدودیت برای بیان انتقادات باعث انباشته شدن مطالبات می شود و مانند آبی پشت سد جمع شده و انرژی رهاسده ممکن است ویرانی های پرهزینه تری را تحمیل کند.

۴. نبود فضای مناسب مشارکت و انتقاد به تقویت روحیه بی تفاوتی مردم و گروه ها به سرنوشت سیاسی و اجتماعی منجر خواهد شد و یا به فعالیت های خشونت آمیز و زیرزمینی دامن خواهد زد.

آنچه تقریباً قطعی به نظر می رسد تأثیری است که این نوع نگاه به منتقدان، می تواند بر قطبی تر شدن فضای سیاسی و افزایش شکاف میان

دولت و منتقدانش در مجلس و جامعه بگذارند که در صورت بروز چنین مسأله‌ای ترمیم آن، کار ساده و آسانی نخواهد بود.

از این رو انتظار می‌رود تا از یک سو منتقدان در بیان انتقادات خود با رعایت انصاف برخورد کرده، و از سویی دیگر دولتمردان نیز سعه صدر بیشتری در برابر انتقادات از خود نشان داده و از ظرفیت منتقدان در جهت پیشبرد اهداف دولت و رفع نواقص و اشکالات احتمالی در مسیر اداره کشور بهره برده تا از ایجاد شکاف و دوقطبی شدن جامعه جلوگیری شود. همانگونه که رهبری معظم انقلاب فرمودند: «انتقادهای منصفانه دشمنی نیست و کمک به دولت است. و پاسخ به انتقادات هم باید منطقی و با خونسردی داده شود».

فرهنگ عفاف و حجاب

بررسی کارنامه رویکرد دولت یازدهم به عفاف و حجاب

علی آزرمی^۱

«صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحَمَالِهَا»

پوشیدگی زن (با توجه به موقعیت روحی و جسمی اش) برای او بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد».

(تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۴۰۵)

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان مهم و راهبردی خود در ابتدای سال ۱۳۹۳ تأکیدات ویژه‌ای را به بحث فرهنگ داشتند تا جایی که نام سال را نیز مزین به همین عنوان فرمودند و تا به امروز نیز در دیدارها و پیام‌های خود به این مهم اشاره داشته‌اند که نشان‌دهنده دغدغه بالای ایشان در زمینه فرهنگ است و فرهنگ نیز یعنی باورها، ارزش‌ها، هنجارها و اصول اخلاقی، نمادها و زبان در یک جامعه، فرهنگ یعنی روح یک ملت.

حجاب و عفاف به عنوان بخش مهمی از فرهنگ، در قاموس بشری، واژه‌های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تندباد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا

کنند.

اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی خویش و توجه به سرشت و طبیعت، احتیاجات حقیقی خود را، در میان معنویت، و هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند.

از طرفی دیگر روز ۲۱ تیرماه در تقویم رسمی کشورمان به عنوان روز عفاف و حجاب ثبت شده است و همین نکته بیانگر آن است که در این جامعه به مقوله عفاف و حجاب به عنوان بخش مهمی از فرهنگ اسلامی ارزش و اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود. حجاب به عنوان یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ زن و مرد مسلمان در جامعه اسلامی ایران همواره از ابتدای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مورد توجه بوده و به دلیل اهمیت بالای آن بیشترین حمله‌ها نیز از سوی جریان تهاجمی فرهنگی به آن شده است. در واقع حجاب به عنوان یکی از ضروریات دین مبین اسلام برای کنترل و مدیریت جامعه و نیز راهکاری برای احیای کرامت انسانی در جامعه مطلوب اسلامی بوده و هست. با توجه به آثار بسیار مفید حجاب در افزایش تعالی جامعه و افزایش سرعت رشد جامعه به سمت اقامه ارزش‌های انسانی و اسلامی، این مسأله به شدت مورد هجمه جبهه کفر و الحاد قرار گرفته است. حجاب از ارزنده‌ترین نمودهای فرهنگی، اجتماعی در تمدن ایرانی - اسلامی است که در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود می‌رسد. بر این اساس در این یادداشت تلاش خواهیم نمود تا مقوله عفاف و حجاب را بیشتر شناخته و رویکرد دولت یازدهم را نسبت به این امر که دغدغه اصلی مقام معظم رهبری و به تبع آن مردم مسلمان و انقلابی ایران است را بررسی و تحلیل کنیم.

عفاف و حجاب در قرآن کریم

لزوم پوشیدگی و عفاف و حجاب، بر اساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است: ۱- قرآن کریم، ۲- روایات شریفه، ۳- سیره اهل بیت علیه السلام، ۴- براهین عقلی، ۵- فطرت و طبیعت انسانی و تاریخ. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می‌سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه‌های این حقیقت را می‌توان از بطن قرآن و روایت‌های اصیل اسلامی به دست آورد. حجاب در کلام الله مجید به ویژه در سوره‌های مبارکه نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. «در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان شده است؛ در حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه مراجع بزرگوار تقلید، یکی از ضروریات دین است.

نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین مبین اسلام، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی انسان‌ها است که نه تنها یک بُعدی نبوده، بلکه همه ابعاد و جوانب شخصیت زن و مرد مسلمان در بُعد مادی و معنوی را مدّ نظر قرار داده است.

انواع حجاب قرآنی

۱) حجاب چشم

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ اِی رَسُوْل، بَه مَرْدَانِ مُؤْمِنِ بَگو تا چشَم‌ها را از نگاه نَارُوا بیوشند» (سوره مبارکه نور، آیه ۳۰).

«قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ اِی رَسُوْل، بَه زَنانِ بَگو تا چشَم‌ها را

از نگاه ناروا بپوشند» (سوره مبارکه نور، آیه ۳۱).

۲) حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است.

«فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض؛ زن‌ها که نازک و نرم با مردان سخن نگویند، مبدا آنکه دلش بیمار (هوا و هوس) است، به طمع افتد» (سوره مبارکه احزاب، آیه ۳۲).

۳) حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. «و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود» (سوره مبارکه نور، آیه ۳۱).

از مجموع این مباحث، به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم، در خلال رفتارهای مختلف آنها، مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است؛ بنابراین، حجاب و پوشش زن، به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. البته مبحث حجاب و عفاف در قرآن بسیار گسترده‌تر از آن است که اینجا ذکر کردیم که خود می‌تواند در کتاب‌ها و مقالات گوناگون بررسی شود تا بر اساس رهنمودهای قرآنی زندگی و زیست مسلمانانه‌تری داشته باشیم.

در انتها، این بخش را با بیان سخنانی از استاد شهید «مرتضی مطهری» که در تبیین فلسفه حجاب در اسلام، تلاش علمی فراوانی داشت، به پایان می‌رسانیم: «عده‌ای می‌گویند: چون حجاب، به معنی پرده است، اسلام

خواسته است زن باحجاب باشد، یعنی همواره پشت پرده بوده و در عزلت و گوشه نشینی باشد، اما باید بدانیم آنچه درباره پوشش زن است کلمه «ستر» به کار می‌رود. پوشش زن، در اسلام آن است که در معاشرت با مردان، بدن خود را پوشانده و از جلوه‌گری، پرهیز کند».

دشمنی غرب با حجاب و تلاش مزدورانه برای کاهش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

از منظر نگاه استعمارزده و استکباری غرب بر "حجاب" می‌توان گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عملاً هویت نوین فرهنگی و دینی وارد معادلات بین‌المللی شد و این موضوع، تمام تلاش و معادلاتی را که جهان غرب طی ۳۰۰ سال و بلوک شرق در ۷۰ سال برای دین‌زدایی بر جهان مستولی کرده بودند بر هم زد.

از آنجا که حجاب به عنوان یکی از مؤلفه‌های "قدرت نرم" جامعه اسلامی به وجودآورنده عفاف، امنیت و آرامش و معنویت در جامعه است و همین مؤلفه در کنار سایر ارزش‌های معنوی و اخلاقی تمدنی را تشکیل می‌دهد که درست رو در روی غرب، یعنی جایی که به صورت یک مهاجم قصد براندازی تمام هویت و دارایی‌های معنوی کشورها به ویژه کشورهای مسلمان را برای سلطه همه‌جانبه به آنها دارد؛ قرار دراد به مبارزه با آن پرداختند.

بعد از دفاع مقدس، گروهی از کارشناسان فرانسوی برای تحقیق روی دلایل اصلی رشادت‌های جوانان ایران در جبهه‌ها وارد ایران شدند، آنها در تحقیقات خود به یک‌سری نکات تربیتی رسیدند و آن هم وجود مادرانی بود که با داشتن ایمان، تقوا و عفاف به تربیت فرزندان می‌پرداختند و همین تربیت برکات زیادی برای جامعه اسلامی داشت. در واقع آنها متوجه شدند در رشادت رزمندگان اسلام، نقش اولش بر عهده شیرزنانی عفیف و الگو گرفته از حضرت زهرا^(س) است که پشت آنها بودند.

اکنون اگر شاهد هستیم که افراد علیه جهان اسلام و به ویژه در زمینه زنان مسلمان علیه "حجاب و عفاف" آنها صحبت می کند برخاسته از فکر یک نفر نیست، بلکه تئوریزه شده و هدفمند است! آنها در مسیر مبارزه با اسلام از رسانه ها و ابزارهایی چون ماهواره و برنامه های ماهواره ای استفاده می کنند و در این میان تیر اهداف آنها قوی ترین مؤلفه قدرت نرم جامعه اسلامی یعنی "عفاف و حجاب" زن مسلمان و "غیرت مرد" مسلمان را هدف قرار داده است. این هدف گذاری به صورتی است که ابتدا فرد، بعد خانواده و سپس اجتماع را در برگرفته و تا جایی پیش می رود که از یک ملت مستقل با تمدن و فرهنگ غنی، ملتی ضعیف، بی هویت و در عین حال مصرف گرا و وابسته بسازد.

بررسی کارنامه و عملکرد دولت یازدهم در امر عفاف و حجاب

رهبر معظم انقلاب طی چند ماه گذشته به دفعات از نگرانی ها و دغدغه های فرهنگی خود سخن گفته اند؛ در نام گذاری سال ۱۳۹۳ از موضوع فرهنگ در کنار مسائل اقتصاد یاد کردند و حتی فرهنگ را مهم تر از اقتصاد دانستند. در اولین سخنرانی عمومی خود در سال جدید و در حرم مطهر رضوی^(۴) به طور مفصل به کاستی های فرهنگی و وظایف نهادهای رسمی کشور پرداختند. ایشان از لزوم مقابله با ترویج اباحه گری، وظایف دستگاه های مسئول، اقدامات ایجابی و دفاعی و نهراسیدن از هوچی گری ها سخن گفتند. مقام معظم رهبری از آزادی های بی ضابطه و ولنگاری فرهنگی گلایه کردند و فرمودند: «اگر چنانچه کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشه ایمان جوانان زدن دارند تلاش می کنند، نمی شود این را تماشا کرد به عنوان اینکه این آزادی است. همچنان که اگر هروئین و بقیه مواد مسموم کننده بدن و بدبخت کننده خانواده ها را کسی بخواهد بین این و آن توزیع کند، نمی شود بی تفاوت نشست».

بر اساس همین دغدغه و نگرانی‌های مقام معظم رهبری بود که در دی‌ماه سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲۶ دستگاه را مسئول توسعه و تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه کرد و برای هرکدام وظایف جداگانه‌ای تعریف نمود و از آنجا که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم‌الاجراست، همه دستگاه‌های مذکور مکلف به اجرای این مصوبه شدند.

حالا حدود هشت سال از زمانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ و عفاف را تصویب کرد می‌گذرد، ولی در تمام این سال‌ها مصوبه مذکور به خوبی اجرا نشده و در سایه عدم توجه به آن، وضعیت عفاف و حجاب در کشور ما به محاق رفته است. در این میان البته نیروی انتظامی برای اجرای ۲۱ مأموریت سپرده‌شده به این ارگان، قدم‌هایی را برداشته است؛ در صورتی که قرار بود ۲۶ دستگاه فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و انتظامی در کنار هم در این زمینه اقداماتی را انجام دهند که سهم دولت و وزارتخانه‌های زیر نظر قوه مجریه به مراتب بیشتر و مهم‌تر به نظر می‌رسد. در واقع طرحی که می‌توانست در کنار سایر فعالیت‌های فرهنگی از قبیل تأمین پوشش اسلامی، نهادینه کردن موضوع عفاف در افراد جامعه از طریق کتاب‌های درسی، فیلم و ... مثمر ثمر باشد، با شانه خالی کردن برخی دستگاه‌ها، به حاشیه کشیده شده است.

مسئله مهم و مورد توجه دیگری که در زمینه فرهنگ باید به آن توجه شود، تعیین حد و مرز دخالت و نقش دولت در این زمینه است. نگاه لیبرالیستی در زمینه فرهنگ از دولت سلب مسئولیت می‌کند که در نگاه کلان منجر به گسترش تغافل و بی‌اهمیتی و اباحه‌گری فرهنگی می‌شود. در حالی که در نگاه دینی، دولت به عنوان وسیله‌ای در اختیار اهداف دینی، نقش هدایتگری و مبارزه با عوامل ضد فرهنگی را به عهده دارد.

دولت اسلامی با توجه به فلسفه وجودی‌اش نمی‌تواند از خود در زمینه

فرهنگی سلب مسئولیت کند و اجازه رشد و فعالیت ارزش‌های غیر اسلامی را بدهد. اسلامی عمل کردن یعنی بر مبنای ارزش‌ها برنامه‌ریزی و حرکت کنیم و دولت باید همان طور که برایش عدم گرایش جوانان به اعتیاد اهمیت دارد نسبت به انحراف از دین هم حساسیت داشته باشد و خود را مسئول بداند و نگوید بهشتی یا جهنمی شدن مردم به دولت ربطی ندارد، همان‌طور که سلامت جسمی مردم باید از دغدغه‌های دولت باشد سلامت روحی نیز باید از دغدغه‌های دولت باشد و برای آن برنامه‌ریزی کند.

اما مسئولان دولت یازدهم چه در نهادهای فرهنگی و چه در نهادهای نظارتی همچنان قرائت فرهنگی خود را دنبال می‌کنند. بهشتی یا جهنمی شدن مردم برایشان دغدغه محسوب نمی‌شود. رئیس‌جمهور به صراحت از کناره‌گیری دولت از فرهنگ و آزادی ممنوع‌الْقلم‌ها می‌گوید، وزیر ارشاد با تجلیل از عناصر ضدفرهنگی در مناسبت‌های مختلف خواهان رفع همه‌میزی‌هاست. گویا دولت یازدهم، به مدد مشاورانش می‌خواهد نشان دهد که فضا فرهنگی کشور عوض شده و به همین دلیل به هیچ مانع و محدودیتی فرهنگی قائل نیست؛ این را می‌توان در موج جدید انتشار مقالات ضد اسلامی، فیلم‌های منشوری و باز شدن پای عناصر مسأله‌دار فرهنگی به برنامه‌های دولت یازدهم دید.

در این میان یکی از مصادیق بارز بی‌توجهی فرهنگی، تغافل فرهنگی نسبت به مقوله پوشش و حجاب است چه در زنان و چه در مردان؛ هر چند که در جامعه اسلامی ما حجاب زنان بیشتر مطرح می‌شود. صرف‌نظر از نگرش خاص فرهنگی حاکم بر دولت یازدهم، مسئولان فرهنگی اولوبیتی هم برای حل معضل بدحجابی و بی‌حجابی قائل نیستند. متأسفانه متولیان امر با بستن چشمان خود بر واقعیات جامعه از دیدن تمام ابعاد ماجرا غفلت می‌کنند و موضوع بدحجابی را در سطح یک اختلاف سلیقه و دیدگاه فرهنگی

تقلیل داده و مقابله با بدپوش‌ها را افراطی‌گری می‌دانند؛ حال اینکه موج جدید بدحجابی در جامعه تبعات منفی و چندگانه‌ای را به دنبال داشته است. همچنین دولت یازدهم در لایحه بودجه پیشنهادی خود برای سال ۹۳ به مجلس ارائه داد که موضوعاتی در حوزه زنان و جوانان در آن مغفول مانده بود، که از آن جمله می‌توان به افزایش مرخصی زایمان مادران، وام ازدواج جوانان و همین‌طور طرح عفاف و حجاب نام برد که علی‌رغم تأکیدات مقام معظم رهبری در این حوزه ردیف بودجه‌ای به این موضوع اختصاص داده نشده است.

در سال گذشته یکی از بهانه‌هایی که دستگاه‌های متولی موضوع عفاف و حجاب برای اجرایی نکردن آن مطرح می‌کردند این بود که بودجه‌ای برای اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی ندارند و انتظار می‌رفت دولت یازدهم در بودجه‌های فرهنگی خود ردیف بودجه‌ای متناسب با حساسیت عرصه فرهنگ، را به این موضوع اختصاص دهد که متأسفانه محقق نشد.

شاید همین مسایل سبب شد تا چندی قبل تعداد ۱۹۵ نماینده مجلس شورای اسلامی با صدور بیانیه‌ای خطاب به رئیس محترم جمهور، ضمن ابراز نگرانی جدی از وضعیت عفاف و حجاب در کشور، بر لزوم اجرای قانون عفاف و حجاب و جلوگیری از آنچه «پیامدهای جبران‌ناپذیر» ناشی از عدم اجرای آن خوانده بودند، تأکید کردند.

بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی برای ارزش تلقی کردن و الگوبرداری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد است. بدون شک رسیدن به این هدف نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند است، اما نباید از این نکته غفلت نمود که دولت باید از خودش شروع کند و ادارات و کارکنان و دانش‌آموزان و دانشجویان و همه کسانی که تحت تکلف خود دولت هستند

اولین کسانی باشند که حجاب و عفاف را به نحو احسن رعایت کنند و رعایت آن را در این مکان‌ها نهادینه کنند.



تک نرخی؛ سیاست ارزی دولت یازدهم

چکیده

نرخ ارز یکی از متغیرهای کلیدی اقتصاد است که تحولات آن می تواند واجد آثار معنی داری بر سایر مؤلفه های اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تجارت خارجی و به طور کلی تعادل های داخلی و خارجی اقتصاد باشد و به همین دلیل نیز در تمامی اقتصادهای جهان از اهمیت بالایی برخوردار است و ارتباط مستقیم با ارزش پول ملی دارد. در چند سال گذشته این متغیر کلیدی به دلیل مختلف همواره در نوسان و التهاب بود تا اقتصاد کلان کشور را با مشکلات عدیده ای مواجه کند. در واقع بیشترین نوسانات ارزی در سال ۹۰ و جدی تر شدن ماجرای تحریم ایران آغاز شد. بازار ارز در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ با التهابات و نوسانات زیادی همراه بود که این نوسانات در ماه های آغازین زمستان به اوج خود رسید؛ به طوری که قیمت دلار در برخی از روزها در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد نوسان داشت. نوسانات شدید در بازار ارز، سایر

بازارهای مالی و غیر مالی کشور را نیز تحت تأثیر شدید قرار داد.

واژگان کلیدی: ایران، اقتصاد، بانک، ارز، دولت یازدهم، بانک مرکزی

مقدمه

در سه سال گذشته که بازار ارز کشور در سایه تحریم های شدید بانکی و محدودیت های مختلف از حالت تک نرخی خارج شده است، به رغم شایعات فراوان، همواره مسئولان بانک مرکزی در اظهار نظرهای خود اعلام کرده اند که بانک مرکزی دخالتی در بازار ارز آزاد ندارد و تنها نرخ رسمی را به رسمیت می شناسند. فروش ارز توسط بانک مرکزی نیز تنها از طریق کانال های رسمی و به نرخ رسمی صورت می گیرد. مسئولان بانک مرکزی تأکید دارند که بانک مرکزی خرید و فروش در بازار ارز آزاد ندارد و افزایش یا کاهش قیمت ها در آن با مکانیسم بازار آزاد صورت می گیرد و سود و زیانی برای بانک مرکزی و دولت ندارد. قبل از شروع جدی تحریم ها و مشکلات و محدودیت های بانکی ایجاد شده برای نقل و انتقال منابع مالی برای نظام بانکی کشور و بانک مرکزی (یعنی تا قبل از سال ۹۰)، بخش عمده ای از نیاز ارزی کشور به صورت رسمی و از طریق شبکه بانکی و فروش ارز توسط بانک مرکزی به آنها به نرخ رسمی صورت می گرفت. بازار ارز آزاد عمق و حجم کمی داشت و اختلاف چندانی بین نرخ بازار آزاد و رسمی برای حدود ۹ سال وجود نداشت. برآورد صورت گرفته در زیر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۹، به صورت تقریبی سهم شبکه رسمی بانکی ۹۳ درصد و سهم شبکه غیررسمی، بازار آزاد و صرافی در حدود ۷ درصد بوده است و بانک مرکزی به عنوان بازیگر و انحصارگر کامل، تعیین کننده شرایط بازار ارز کشور بوده است. در این مقاله تلاش می شود ساختار فعلی بازار ارز کشور و رویکرد دولت یازدهم و نوسانات بازار ارز مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

دانستنی‌های ضروری درباره ارز

یکی از تفاوت‌های بین معاملات مالی در داخل کشور و مبادلات بین‌المللی این است که در تجارت داخلی نیاز به پرداخت و دریافت وجوه بر حسب پول رایج ملی است، اما در معاملات خارجی معمولاً این وجوه به شکل پول‌های رایج و معتبر خارجی، پرداخت می‌شود. برای مثال در ایران برای انجام مبادلات، از ریال استفاده می‌شود، در آلمان مارک و آمریکا دلار آمریکا، اما وقتی یک ایرانی بخواهد از آمریکا کالایی را تهیه کند باید در ازای آن دلار آمریکا بپردازد؛ بنابراین باید بر اساس یک رابطه مبادله تعریف‌شده (نرخ ارز) ریال بدهد و دلار بگیرد و با آن کالا را بخرد. با این توصیف منظور از ارز هر وسیله‌ای است که به صورت اسکناس، حواله یا چک در مبادلات خارجی برای پرداخت‌ها استفاده می‌شود. منظور از نرخ ارز خارجی عبارت از مقداری از واحد پولی ملی است که برای به دست آوردن واحد پول کشور دیگر باید پرداخت شود.

تعیین نرخ ارز

در مدل‌های اولیه، نرخ ارز بر مبنای نظریه برابری قدرت خرید (ppp) تعیین می‌شد و تنها عامل نوسانات نرخ ارز اسمی را قیمت کالاها می‌دانستند. اما آنچه بدیهی است این است که عوامل گوناگونی بر نرخ ارز تأثیر می‌گذارند:

۱- تراز پرداخت‌ها

هرگونه تغییر و تحول در تراز پرداخت‌ها تأثیر مستقیم روی نرخ ارز می‌گذارد. دارندگان ارز کشوری که تراز پرداخت‌هایش رو به کاهش است، آن را می‌فروشند و ارز معتبر دیگری را خریداری می‌کنند؛ بنابراین، عرضه این ارز در بازار زیاد می‌شود و نرخ آن نسبت به ارزهای دیگر کاهش می‌یابد.

۲- استقراض خارجی

هر اندازه کشوری بیشتر مقروض باشد نیازش به ارز خارجی برای پرداخت اصل و بهره بدهی‌ها بیشتر است؛ بنابراین، فشاری که روی ذخایر ارزی آن کشور وارد می‌شود، روی نرخ ارز آن کشور منتقل شده و آن را ضعیف می‌کند.

۳- انتظارات برای آینده

ممکن است نرخ ارزها بر اثر پیش‌بینی‌هایی که نسبت به وضعیت آنها می‌شود، تغییر کند. با وجود انتظار نرخ ارز قوی در آینده، صادرات به آن کالا به تأخیر خواهد افتاد تا زمانی که نرخ ارز کاملاً قوی شده و در هنگام تبدیل آن به پول کشور خودی با نرخ بهتری روبه‌رو بوده و پول بیشتری دریافت شود.

۴- تورم

در صورت برابری نرخ تورم در هر دو کشور باید به شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی و عمده‌فروشی توجه کرد تا وضعیت هر کشور مشخص شود.

۵- سیاست‌های اقتصادی

سیاست‌هایی که بر نرخ ارز اثر می‌گذارند عبارتند از: رشد معقول عرضه پول، سیاست‌های مناسب مالی، خصوصیات دیپلماسی خارجی و فعالیت‌های نظامی، سرمایه‌گذاری در مقایسه با میزان نقدینگی.

تغییرات نرخ ارز

تغییرات نرخ ارز رابطه مستقیمی با تورم دارد. مهم‌ترین وضعیت و شرایط تضعیف نرخ ارز است. نرخ ارز رسمی ممکن است در صورت وجود شرایطی دچار ضعف شود. این عوامل عبارت‌اند از: ۱- ادامه کسری در موازنه پرداخت‌های کشور؛ ۲- کاهش در میزان ذخیره طلا و ارزهای خارجی؛ ۳- تورم داخلی؛ ۴- بی‌اعتمادی به پول داخلی؛ ۵- سیاست‌های دولت که به

جای مبارزه با علت، با معلول مبارزه می‌کند؛ ۶- خط مشی‌های دولت که سبب تضعیف اقتصاد داخلی می‌شود؛ ۷- احتمال تضعیف نرخ رسمی ارز کشورهایی که یک اقتصاد به آنها تعهد و وابستگی نزدیک دارد.

رژیم ارزی

در سال ۱۹۴۴م بر اساس معاهده «برتن وودز» کشورها ملزم به حفظ ارزش پول در برابر دلار با یک نسبت مشخص طلا شدند که به سیاست نرخ ارز ثابت شهرت داشت، اما در سال ۱۹۷۱م. با اعلام عدم تعهد ایالات متحده در حفظ، برابری و تعویض دلار و طلا، کشورها و در صدر آنها ژاپن سیستم نرخ ارز شناور (مبتنی بر عرضه و تقاضا در بازار) را جایگزین نمودند. مهم‌ترین نظام ارزی، نظام ارزی ثابت و نظام ارزی شناور است، البته، نظام‌های دیگری نیز به مرور زمان به وجود آمده‌اند و می‌توانند استفاده شوند که بسته به شرایط و نیاز کشورها به کار گرفته می‌شوند.

نرخ ارز ثابت

وضعیتی است که در آن نیروهای بازار کاملاً فعال هستند، اما بانک مرکزی بسته به ملاحظات و ضرورت‌های موجود، نرخ ارز معینی را به عنوان نرخ ارز هدف تعیین می‌کند و با مداخله در بازار و از طریق سازوکار ذخایر خود، از آن نرخ هدف حمایت می‌کند. برای مثال اگر نرخ ارز تمایل داشته باشد که از نرخ هدف بالاتر رود بانک مرکزی با عرضه ذخایر ارزی خود به بازار از افزایش نرخ ارز جلوگیری می‌کند. همچنین اگر نرخ ارز تمایل داشته باشد از نرخ هدف کاهش یابد بانک مرکزی مذکور با خرید ارز از بازار و افزایش ذخایر خود از این کار جلوگیری می‌کند. مزایا و معایب انتخاب نرخ ارز ثابت: انتخاب نظام ارزی ثابت باعث می‌شود که مردم و بنگاه‌ها بتوانند، مادامی که نرخ ارز ثابت نگه داشته شده است بدون نگرانی در مورد نوسانات

نرخ ارز برای آینده برنامه‌ریزی کنند. در این صورت در سطح خرد ثبات وجود دارد، اما از آنجا که نوسانات ارز به بخش عرضه پول منتقل می‌شود، ممکن است بی‌ثباتی به بخش کلان اقتصاد منتقل شود.

نرخ ارز شناور

به ترتیبی از بازار گرفته می‌شود که در آن نرخ ارز بر اساس تعامل نیروهای عرضه و تقاضا ارز بدون مداخله مقامات پولی و به صورت آزاد تعیین می‌شود. مزایا و معایب انتخاب نرخ ارز شناور: انتخاب نظام شناور باعث می‌شود نرخ ارز متغیر باشد، ولی در نهایت ثبات اقتصاد کلان، به معنای ثبات در حجم پول و تثبیت نرخ تورم، در بلندمدت حاصل می‌شود.

تجربه تاسیس مرکز مبادلات ارزی کشور

مرکز مبادلات ارزی کشور با تصمیم کارگروه اقتصادی ستاد تدابیر ویژه ایجاد و با همکاری بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان گمرک از ابتدای مهرماه سال ۱۳۹۱ تحت مدیریت بانک مرکزی راه‌اندازی شد. در آن زمان دولت اقدام به اولویت‌بندی کالایی کرد، به‌گونه‌ای که به کالاهای اساسی و دارویی، ارز با نرخ مرجع اختصاص داده می‌شد. مرکز مبادله نیز دلار را با نرخ ۲۳۶۰ تومان به گروه‌های کالایی ۳، ۴ و ۵ اختصاص می‌داد. سپس گروه‌های کالایی ۶، ۷، ۸ و ۹ نیز به گروه‌های مشمول دریافت ارز مبادله‌ای اضافه شدند؛ ضمن اینکه اولویت‌های مصارف خدماتی ۲۰ گانه هم مشمول دریافت ارز مبادله‌ای شدند. بانک مرکزی در نظر داشت در بخش تقاضای ارز، عمده تقاضاهای واقعی کشور طی نیمه دوم سال ۱۳۹۱ را به مرکز مبادلات ارزی کشور هدایت کند. بانک مرکزی در آن زمان در پاسخ به منتقدان، ایجاد و راه‌اندازی مرکز را با در نظر گرفتن شرایط خاص حاکم بر کشور و ضرورت کنترل تورم عنوان کرد. هدف ابتدایی مرکز، حرکت به سمت

کاهش تقاضای سفته‌بازی و پاسخگویی به تقاضای معاملاتی و حتی تقاضای احتیاطی (بیشتر از سوی واردکنندگان کالاهای مورد نیاز بخش تولید) مطرح شد. در آن زمان راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی کشور و شیوه تعیین نرخ ارز در این مرکز از سوی بانک مرکزی بر مبنای نظام شناور مدیریت عنوان و تأکید شد با عبور از دوران گذار، نرخ ارز ثابت (مرجع) همگرایی نرخ ارز در مرکز و شبکه صرافی‌ها با استفاده از سازوکار مرکز مبادلات ارزی میسر خواهد شد و به تدریج، همه گروه‌های کالایی مشمول دریافت ارز مبادله‌ای می‌شوند. گام اول این اقدام در تیرماه سال ۹۲ از سوی بانک مرکزی انجام شد. نرخ ۱۲۲۶ تومانی برای دلار که به نرخ مرجع معروف بود حذف و نرخ مبادله‌ای در فهرست اعلام نرخ‌های رسمی نشست. حال در فاز دوم قرار است پوشش کالایی مرکز مبادله‌ای گسترش پیدا کند. این پوشش کالایی با جابه‌جایی تقاضا از بازار آزاد به بازار رسمی صورت می‌گیرد. با جابه‌جایی تقاضا و پاسخگویی به بخش عمده‌ای از نیازهای سمت تقاضا از سوی بخش رسمی زمینه برای یکسان‌سازی مجدد نرخ ارز فراهم می‌شود. البته گفته می‌شود در کنار توسعه پوشش کالایی بانک مرکزی در حال بررسی ایده‌ای است که از آن می‌توان به‌عنوان بورس ارز یاد کرد. در واقع در تکمیل فازهای توسعه‌ای احتمال دارد مرکز مبادلات ارزی به بورس ارز تبدیل شود. محلی که عرضه‌کننده و متقاضی ارزی یکدیگر را ملاقات کنند؛ این فاز می‌تواند به توسعه مرکز مبادله به عنوان یک بازار مرکزی کمک کند بازاری که علاوه بر شفافیت امکان آزادانه کشف نرخ ارز را بدون تأثیرپذیری از هیجان‌های ارزی می‌دهد.

سیاست دولت یازدهم درباره مرکز مبادله ارزی

ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی در مورد نحوه فعالیت‌های مرکز مبادلات ارزی کشور و برنامه بانک برای این مرکز بیان کرده است: «بانک

مرکزی به دنبال حذف مرکز مبادلات ارزی نیست، بلکه برنامه جامعی برای گسترش فعالیت‌های این مرکز دارد. این بانک پیگیر توسعه فعالیت‌های مرکز مبادلات ارزی است؛ زیرا این مرکز نقش مهمی در ایجاد آرامش و ثبات در بازار ارز دارد». رئیس شورای پول و اعتبار مرکز مبادلات ارزی را یک حرکت مثبت برای ساماندهی بازار ارز دانست و گفت: «بر همین مبنا برای آینده نیز بانک مرکزی به فکر گسترش فعالیت‌های این مرکز است». وی درخصوص زمان انجام فاز توسعه مرکز گفت: «در حال حاضر این بانک ایده‌های مختلفی دارد که در حال بررسی کارشناسی است و به محض آنکه بسته توسعه‌ای آماده شود، مراحل توسعه‌ای با اولویت اجرایی می‌شود». وی هدف از اجرای این طرح توسعه‌ای را ساماندهی بازار ارز عنوان کرد و اظهار داشت: «تلاش بانک مرکزی این است که با اجرای این برنامه‌ها بازار ارز کشور در مقایسه با گذشته به شکل مطلوب‌تری سامان یابد و بر این اساس، از طریق مرکز مبادلات ارزی، ارز مورد نیاز فعالان اقتصادی تأمین می‌شود». حال با این وضعیت تک نرخی کردن ارز "این روزها بحث‌ها و نظرات کارشناسی مختلفی را در پی داشته و به نظر می‌رسد اقدام‌های بانک مرکزی در راستای همین امر باشد. مسأله قیمت ارز در سال گذشته یکی از مهم‌ترین و خبرسازترین موضوعات بوده که بر تمام شئون اقتصاد ایران و حتی زندگی مردم تأثیر گذاشت.

پیشنهادهای کارشناسی برای تک نرخی

در سال‌های اخیر، ارز نرخ‌های مرجع، مبادله‌ای، بودجه‌ای و آزاد را تجربه کرده و بازار ارز با این چهار نرخ دارای ثبات لازم نبود که این موضوع تأثیرات منفی بر اقتصاد کشور گذاشت. برای حل این مشکل با روی کار آمدن دولت یازدهم یکی از اولویت‌ها، اعلامی تک نرخی کردن نرخ ارز است. برای ورود به این مقوله مهم یک‌سری الزاماتی نیاز است که باید مد نظر قرار گیرد. در

اینجا به برخی اشاره می‌شود.

نزدیکی نرخ ارز دولتی با آزاد

اگر دولت قصد تک‌نرخ کردن ارز را داشته باشد، باید نرخ ارز مبادله‌ای را افزایش دهد و به نرخ ارز آزاد نزدیک کند. دولت می‌تواند با مدیریتی که اعمال می‌کند از طریق افزایش عرضه ارز، نرخ ارز در بازار آزاد را کاهش دهد و به نرخ ارز مبادله‌ای نزدیک کند. همچنین بازه‌ای را که برای ارز تک‌نرخ می‌توان متصور بود، بین ۲۶۰۰ تا ۳۱۰۰ تومان است. در حال حاضر با توجه به نزدیک بودن قیمت ارز مبادله‌ای به نرخ آزاد، می‌توان عنوان کرد که شرایط برای تک‌نرخ شدن ارز فراهم شده است؛ بنابراین دولت باید تلاش کند که بر اساس قانون و با رویکرد نرخ ارز شناور مدیریت شده، حداقل ثبات نسبی را در بازار ارز فراهم کند.

فراوانی ارز

نکته کلیدی در موضوع تک‌نرخ شدن ارز آن است که دلار به میزان کافی در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد تا اگر افزایش تقاضا در ایام اعلام تک‌نرخ شدن ارز به وجود آمد، بتوان بدون هیچ مشکلی به تقاضاهای مطرح‌شده پاسخ داد. همچنین شبکه بانکی کشور باید نیاز هر متقاضی را که در مقابل ریال ارز طلب می‌کند، برآورده سازد. نباید در بازار کمبود ارز به هیچ عنوان مشاهده شود و روابط بانک‌ها و صرافی‌های داخلی با بانک‌های خارجی باید دوباره به حالت قبل از تحریم‌ها باز گردد، تا نقل و انتقالات پولی به راحتی و سهولت انجام شود.

حرکت بر اساس اسناد بالادستی

تک‌نرخ شدن ارز بر اساس برنامه‌های بالادستی کار ضروری است. بر

اساس برنامه پنجم توسعه، نظام ارزی کشور باید براساس مدیریت شناور اداره شود. بدین معنا که دولت و بانک مرکزی باید با تک نرخی شدن ارز، آن را در یک بازه قیمتی مشخص که دارای کمترین نوسان بوده اداره کنند.

نتایج مثبت تک نرخی شدن ارز

سیاست تک نرخی ارز می‌تواند واردات را کاهش و صادرات را به تحرک وادار کند. علاوه بر آن این سیاست و سایر سیاست‌های موفق صادراتی به تقویت پول ملی کشور منجر می‌شود. سیاست تک نرخی و تثبیت نرخ ارز برای اجتناب از اقتصاد رانتی و جلوگیری از نوسانات، امری مهم در کشور محسوب می‌شود. این نرخ اگرچه در سطح بالاتری به منظور کاهش سفته‌بازی برقرار می‌شود و کمی تورم‌زا است، اما حداقل از نوسانات ارزی و رانت جلوگیری کرده و فعالیت مفید فعالان اقتصادی را تقویت می‌کند. از این طریق فعالان اقتصادی می‌توانند قیمت محصولات خود را به طور واقعی محاسبه، تعیین، اعلام و حتی برنامه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های آتی خود را مشخص نمایند، اما سایر فایده‌ها عبارتند از:

۱. جلوگیری از رانت‌خواری؛
۲. بهبود وضعیت تولید؛
۳. رونق فضای کسب و کار؛
۴. ثبات اقتصادی؛
۵. افزایش سرمایه‌گذاری.

نتیجه‌گیری

بازار ارز به عنوان یکی از بازارهای مهم مالی در کشور از دو مقوله تأثیرپذیر است، اولاً مقوله عوامل بنیادی است که در قالب مدل‌های نرخ ارز و متغیرهای ساختاری اقتصاد تعریف می‌شوند و عواملی چون تولید ناخالص

داخلی، نرخ رشد نقدینگی، نرخ تورم و نرخ سود بانکی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نوسانات بازار هستند. ثانیاً در کنار این عوامل بنیادین برخی مسائل تکنیکی عمدتاً متأثر از انتظارات هم وجود دارد، واقعیت این است که تحریم بانک مرکزی و کاهش فروش نفت در دو سال اخیر نقش قابل توجهی در بروز التهاب در نرخ‌های ارز داشته است. بانک مرکزی باید در جهت تأمین نیازی‌های ضروری اقتصاد اولویت‌بندی را انجام دهد؛ زیرا در شرایط ملتهب هر میزان ارز هم که به اقتصاد تزریق شود، قادر به اعاده ثبات و آرامش به بازار نخواهد بود و این وضعیت در دیگر کشورها نیز تجربه شده است. در شرایط اقتصادی ویژه باید تصمیماتی اتخاذ شود که قطعاً هزینه‌هایی هم برای اقتصاد کشور در پی دارد، اما ضروری است بانک مرکزی همه تلاش خود را برای تأمین نیازهای ارزی بر اساس اولویت‌ها انجام دهد و از تزریق میزان کافی ارز به بازار برای تأمین نیازهای مذکور اطمینان حاصل نماید. در پایان باید گفت تک نرخ شدن ارز اقدامی بسیار مثبت و مؤثر و عاملی مهم برای جلوگیری از مفاسد و رانت‌خواری است. تا زمانی که ارز چند نرخ باشد عده‌ای با اعمال نفوذ و رشوه‌خواری به دنبال ارز ارزان هستند در صورتی که محصولات خود را با ارز گران به فروش می‌رسانند. همچنین تا زمانی که ارز تک نرخ نباشد برنامه‌ریزان اقتصادی در بخش‌های خصوصی و دولتی و بانک‌ها نمی‌توانند برای آینده نزدیک و یا دور برنامه‌ریزی دقیق و منسجمی داشته باشند. همه برنامه‌های اقتصادی در شرایط چند نرخ بودن ارز به هم می‌خورد و برنامه‌های اقتصادی به خوبی پیش نخواهد رفت. بحث‌هایی که راجع به یکسان‌سازی نرخ ارز مطرح می‌شود هدفی است که بانک مرکزی باید در کنار سایر مسائل پولی آن را دنبال کند. پیش‌شرط‌هایی برای این کار وجود دارد که مسئولان بانک مرکزی به آن واقف هستند؛ عمده‌ترین شروط این است که با اعلام یکسان‌سازی بانک مرکزی بتواند پاسخگوی تمام

نیازهای ارزی با یک نرخ واحد باشد و آن نرخ تعادلی تعیین شود. این نرخ به گونه‌ای باید تعیین شود که عوامل بازار و بازار سیاه نتوانند به آن حمله کنند.



پلورالیسم

در اندیشه سیاسی شهید مطهری (ره)

علی مرادزاده

مقدمه

وجود تنوع و تکثر ادیان در تاریخ حیات بشری واقعیتی انکارناپذیر می‌باشد. تعداد تکثر ادیان، مذاهب، جریان‌ها و فرهنگ‌ها به گونه‌ای بوده است که تحولات تاریخ و کنش و واکنش‌های انسان تا حدودد زیادی بر مدار آنها صورت‌بندی شده و جنگ‌ها، ائتلاف‌ها و انشعاب‌ها نیز معطوف به آن است. با این وجود، ادبیات رایج در باب پلورالیسم (تکثرگرایی) پدیده جدیدی است که ابتدا در دنیای غرب و به ویژه پلورالیسم دینی، پلورالیسم سیاسی، پلورالیسم فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی هم در حوزه اندیشه‌ورزی محل بحث و نزاع متفکران است و هم در حوزه رفتاری در میان پیروان ادیان و مذاهب و نحله‌های مختلف جزیی از واقعیات

اجتماعات بشری به شمار می‌رود. از این‌رو بررسی پلورالیسم و نحوه مواجهه با آن و ضرورت دارد، چنین واقعیتی به لحاظ خاستگاه فکری و دین‌پژوهانه چنانچه با افکار اندیشمندان برجسته‌ای چون استاد شهید آیت‌الله مطهری مورد کنکاش قرار گیرد، اهمیتی مضاعف می‌یابد و نوشتار حاضر با چنین رویکردی ورود به بحث می‌کند.

مفهوم‌شناسی

واژه پلورالیسم به کثرت‌گرایی یا آیین کثرت ترجمه شده است (آریان‌پور، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۹۴۹). پلورالیسم ایده‌ای است که به پذیرش کثرت و نفی و طرد انحصار در حیطه‌های گوناگون فلسفه، سیاست، اجتماع، فرهنگ، دین و... قائل است. پلورالیسم گاه درون‌دینی و درون‌گفتمانی است به معنای پذیرش کثرت مذاهب و گرایش‌ها در میان پیروان یک دین و گفتمانی است و گاهی برون‌دینی به معنای پذیرش کثرت و تعدد ادیان موجود در جامعه و جهان می‌باشد.

پلورالیسم دینی طرز تفکر و مکتبی است که به حقانیت و نجات‌بخش بودن همه یا مجموعه‌ای از ادیان در یک عصر معتقد است و با انحصارگرایی دینی و اعتقاد به منحصر بودن حقانیت و نجات‌بخشی در دین و آیین خاص مخالف است و مراد از آن این است که حقیقت مطلق و نجات و رستگاری را در انحصار یک دین یا مذهب و پیروی از شریعت و آیین خاص ندانیم، بلکه حقیقت مطلق را مشترک میان همه ادیان و مذاهب با مجموعه‌ای از آنها، و آنها را جلوه‌های گوناگون از حق مطلق بشماریم (جان هیک، ۱۳۷۸، ص ۶۵). در واقع می‌توان گفت پلورالیسم کوششی است در جهت یافتن مبنا و توجیهی دینی برای تساهل و تسامح است.

خاستگاه پلورالیسم

پلورالیسم در دنیای غرب و بستر اختلافات فرقه‌ای مسیحیت زاده شد و در دهه‌های اخیر توسط روشنفکران مسلمان به دنیای اسلام راه یافت. مایه‌های اصلی این تفکر در اندیشه‌های لیبرالیسم سیاسی و دینی یافت می‌شود به جهت اینکه لیبرالیسم بر اهمیت تسامح و تساهل، آزادی عقیده و حقوق خصوصی افراد تأکید دارد.

۱- برخی عناصر کثرت‌گرایی دینی را می‌توان در نوشته‌های "شلایر ماکر" بنیانگذار پروتستان‌تیسیم لیبرال در قرن ۱۹ یافت. به نظر او همه ادیان در بردارنده حقیقت الهی هستند. پروتستان تفسیرهای غیر متعارف از کتاب مقدس و دیگر اعتقادات دینی را به راحتی می‌پذیرفت.

۲- کارل رانر متکلم کاتولیک پیشنهاد کرد مسیحیان می‌توانند بپذیرند که کسی رسماً مسیحی نباشد و خدا به خاطر طرز زندگی و اخلاقش او را مسیحی حساب کند.

۳- جان هیک، کشیش مسیحی و فیلسوف دین‌شناس انگلیسی‌تبار ساکن آمریکا را می‌توان مدافع و مروج اصلی پلورالیسم دانست. وی همه متدینان به ادیان گوناگون را اهل نجات می‌دانست و حتی ابایی نداشت که کمونیست‌ها را نیز اهل نجات بداند. جان هیک، در کتاب‌های؛ اسطوره خدا که مجسد شد، تفسیر دین، کلام مسیحی درباره ادیان و مباحث پلورالیسم دینی، به تبیین و تفسیر پلورالیسم پرداخت (پلورالیسم دینی، مرکز مطالعات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰).

۴- پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به تدریج مباحث پلورالیسم دینی مطرح شد. دکتر عبدالکریم سروش، در مجله کیان مقالاتی با عنوان "صراط‌های مستقیم" را منتشر ساخت و بدین ترتیب مباحث پلورالیسم در

عرصه‌های مختلف گسترش یافت. سپس در رورنامه‌های زنجیره‌ای در دوران حاکمیت اصلاح‌طلبان در حد وسیعی به آن پرداخته شد.

پروفسور محمد لنگهاوزن، نومسلمان آمریکایی که در قم به تدریس فلسفه غرب مشغول است در این باره می‌گوید: بحث پلورالیسم در اروپا به صورت رسمی هنگامی آغاز شد که پس از جنگ دوم جهانی و در نیمه دوم قرن بیستم گروه‌هایی از کشورهای مختلف به اروپا مهاجرت کردند و حاضر به پذیرش مسیحیت نشدند، فرقه‌های گوناگون مسیحی اینان را اهل دوزخ و شایسته هرگونه رفتار و برخوردی می‌دانستند، ولی برخی متکلمان مسیحی در میان غیر مسیحیان نیز افراد خوبی را می‌دیدند، از این رو می‌دانستند، ولی برخی متکلمان مسیحی در میان غیر مسیحیان نیز افراد خوبی را می‌دیدند، از این رو به این تعلیم کلیسا بدگمان شدند و برای طرد آن، پیشنهادهایی از جمله پلورالیسم دینی را مطرح کردند (اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

جان‌هیک، از نظریه‌گرای دینی خود با وصف انقلاب کپرنیکی در الهیات مسیحی یاد کرده است، وی درباره این تشبیه معتقد است همانگونه که کپرنیک در نظریه انقلابی خود بنای کهن نجوم و هیأت بطلمیوسی را ویران و خورشیدمحوری را جایگزین زمین‌محوری کرد، در انقلاب کپرنیکی دین نیز باید ایمان به خدا و نسبت انسان با پروردگار را در مرکز اعتقادات قرار داد و عقاید خاص ادیان را به منزله کُرّاتی دانست که حول محور آن می‌گردند. جان‌هیک معتقد است:

۱- سنت‌های دینی بزرگ را می‌توان به عنوان فضاهای جایگزین همدیگر دانست که در درون آن فضاها راه‌هایی وجود دارد که از طریق آن‌ها مردان و زنان عالم می‌توانند به نجات و رستگاری، آزادی روحی، تنویر و یا تکامل معنوی دست یابند.

۲- تنوع تاریخی فرهنگ‌های بشری، عینک‌هایی هستند که آن حقیقت متعالی (واقعیت الهی واحد) از درون آنها بدین صورت متنوع ادراک می‌شود.

۳- آلموند به تمثیل قدیمی فیل و مردان کور استناد می‌کند که هر کدام از آن بخش متفاوتی از بدن حیوان را لمس می‌کند.

۴- این احتمال وجود دارد که به سخن عارف مسلمان، ملای رومی، چراغ‌ها متفاوت، اما نور آنها واحد باشد؛ زیرا که از مجرای چنین سیستم تاریخی خاص مثل مسیحیت و غیره در حیات بشری عملاً پنجره‌ای رو به حق باز می‌شود که در پرتو آن تحول و دگرگون تجربه دینی و زندگی آدمی ممکن می‌شود (جان هیک، ۱۳۷۸، صص ۹۸-۱۸۸).

در اندیشه و آثار شهید مطهری اولاً این ادبیات مربوط به جهان غرب است که نقص‌های فراوان دارند و از نظرگاه اسلامی قابل نقد است، ثانیاً ضعف‌های مسیحیت کنونی و اختلافات مسیحیان منجر به چنین گرایش‌هایی شده و در اندیشه اسلام چنین کاستی‌هایی وجود ندارند و ثالثاً وجود تکثر و تنوع دلیل بر حقانیت نیست و اندیشمندان مجاز نیستند به محض دیدن گرایش‌های مختلف، این گرایش‌ها را به متان شریعت منتسب نمایند، رابعاً مسائل دینی جزو حوزه خصوصی نیست که هر کس اختیار داشته باشد، هرگونه بخواهد عمل نماید.

شهید مطهری می‌گوید: «فرنگی‌ها که می‌گویند از نظر توحید و ایمان نباید مزاحم کسی شد از این جهت است که فکر می‌کنند این‌ها جزو امور خصوصی و سلیقه‌ای و ذوقی و شخصی است. انسان در زندگی به یک چیزی باید سرگرم باشد که دشمن ایمان است. مثل امور هنری است. یکی از حافظ خوشش می‌آید، یکی از خیام خوشش می‌آید، یکی از فردوسی خوشش می‌آید، دیگر نباید مزاحم کسی شد که سعدی را دوست داشته باشی.

می‌گویند دین هم، همین‌جور است، یک کسی اسلام را دوست دارد، یک کسی مسیحیت را دوست دارد، یک کسی فرد دیگری را دوست دارد، یک کسی هم هیچ یک را دوست ندارد، نباید مزاحم کسی شد. اینها از نظر فرهنگی‌ها به اصل زندگی مربوط نیست، آنها اصلاً طرز تصورشان و طرز تفکرشان در دین با طرز تصور ما فرق می‌کند، دینی که مثل دین‌های آنها باشد، همین‌جور هم باید بود. ولی از نظر ما، دین یعنی صراط مستقیم، یعنی راه راست بشری، بی تفاوت در مسأله دین بودن، یعنی در راه راست بشریت بی تفاوت بودن، ما می‌گوییم توحید به سعادت بشری بستگی دارد، مربوط به سلیقه شخصی نیست مربوط به این قوم و آن قوم نیست» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۵۴).

استاد شهید مطهری به کسانی که اندیشه‌های نادرست را وارد ایران و اسلام می‌کنند، هشدار می‌دهد و می‌گوید: «من به عنوان نصیحت می‌گویم کسانی که اینگونه فکر می‌کنند، یعنی می‌خواهند مکتب اسلام را با مکاتب دیگر تطبیق دهند و با عناصری از آن را در اسلام وارد کنند، چه بدانند و چه ندانند در خدمت استعمار هستند... با این طرز تفکر به استقلال فرهنگی نخواهیم رسید و به ناچار محکوم به فنا خواهیم بود» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳).

گونه‌شناسی پلورالیسم

در آثار استاد مطهری انواع پلورالیسم در گونه‌های مختلفی، اشاره و نقد و بررسی شده است:

۱- پلورالیسم دینی

پلورالیسم دینی در سه گونه متفاوت مورد بحث می‌باشد:

الف) پلورالیسم بین ادیان الهی: ادیان مختلفی مانند اسلام، مسیحیت و یهود در جامعه بشری واقعیاتی انکارناپذیر هستند، اما از نگاه شهید مطهری این ایده که همه اینها حقیقت را بیان می‌کنند مورد قبول نیست. ایشان می‌گوید: «در اسلام توحید به خالص‌ترین شکل و پاک‌ترین طرز بیان شده است (جهان‌بینی توحیدی، ص ۱۷) اسلام ناب، دین خداست که یگانه است... صورت جامع و کامل دین خدا به وسیله خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) به مردم ابلاغ شد و نبوت پایان یافت و امروزه با همین نام در جهان شناخته می‌شود» (وحی و نبوت، ص ۹۶).

ب) پلورالیسم مذهبی (درون‌دینی): پلورالیسم مذهبی می‌گوید در درون هر یک از ادیان موجود مذاهب مختلفی وجود دارند، لکن همه آنها با وجود تعارض‌ها و تناقض‌هایشان حقیقت را می‌گویند. شهید مطهری هر چند به وجود مذاهب مختلف به عنوان واقعیات موجود اذعان دارند، اما معتقدند در میان مذاهب اسلامی تنها شیعه حقانیت دارد و سایر فراقه را افراطی یا تقریبی می‌شمارد (مجموعه آثار، ج ۲، ص ۹۴).

ج) پلورالیسم درون‌مذهبی: در درون هر یک از مذاهب؛ گرایش‌ها، فرقه‌ها و نحله‌های مختلفی وجود دارد و از نگاه پلورالیستی همه آنها از حقانیت برخوردارند، در نگاه شهید مطهری تنها شیعه، مذهب حق می‌باشد و در میان فرقه‌های تشیع تنها شیعه امامیه در صراط مستقیم است (مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۳۲).

۲- پلورالیسم سیاسی

منظور از تکثرگرایی سیاسی وجود جریان‌ها، جناح‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه و صحیح بودن تمامی گرایش‌هاست، اما در اندیشه سیاسی مطهری با اذعان به وجود جریان‌ها و احزاب و گرایش‌های مختلف باور به

حقانیت و صحیح بودن آنها ندارند.

در باب مشروعیت حکومت سه نظریه وجود دارد، برخی معتقدند مشروعیت تنها از رأی مردم ناشی می‌شود، برخی دیگر مشروعیت را تنها به خداوند نسبت می‌دهند، دسته سوم می‌گویند مشروعیت به خدا باز می‌گردد ولی مردم نیز در مقبولیت بخشیدن و فعلیت دادن به حاکمیت حاکم دخالت دارند. به عبارت دیگر ضوابط حاکم اسلامی را شرع مقدس مشخص می‌کند، اما خداوند این حق را به مردم داده است که حاکم خود را انتخاب کنند. به نظر می‌رسد گزینش حاکم در اندیشه سیاسی شهید مطهری از نوع سوم می‌باشد. شهید مطهری می‌گوید: «تنها اعتقاد به خداست که حاکم را در مقابل اجتماع پاسخگو می‌سازد و افراد را ذی حق می‌کند و استیفای حقوق را یک وظیفه لازم شرعی معرفی می‌کند» (مجموعه آثار، ج ۱، ص ۵۵۴).

شهید مطهری می‌گوید: «در حکومت اسلامی احزاب آزادند... اما ما اجازه توطئه‌گری نمی‌دهیم... اگر بخواهند در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودشان را بگویند ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم، اسلام چنین چیزی نمی‌گوید، حق داریم بگوییم به نام اسلام این کار را نکنید» (پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۷).

شهید مطهری و پاسخ به یک شبهه اساسی

برخی از جریان‌های غرب‌گرا که دل در گرو پلورالیسم غربی داشتند از محترم بودن انسان و انتخاب او استفاده ابزاری می‌کردند تا همه انتخاب‌های انسان را البته بر پایه اومانیسم محترم و حق و قابل اجرا معرفی کنند. اینان چنین استدلال می‌کردند: انسان از آن جهت که انسان است محترم است، پس اراده و گزینش او هم محترم است، چون انسان با اراده خود عقیده‌ای را بر گزیده و کسی حق برخورد با او را ندارد.

شهید مطهری در نقد و طرد این نظر می‌گوید: «از نظر اسلام این حرف درست نیست، اسلام می‌گوید انسان محترم است، ولی آیا لازمه احترام انسان این است که هر انتخاب او محترم باشد؟ یا لازمه آن این است که استعدادها و کمالات انسانی محترم باشد... یعنی انسانیت محترم باشد» (مجموعه آثار، ج ۳، ص ۲۲۲)؛ بنابراین، عقیده‌ای که برخلاف عقل و منطق و شرافت انسانی باشد احترام ندارد، هر چند طرفدار داشته باشد.

۳- پلورالیسم نجات یا رستگاری

مسیحیان خود را اهل بهشت و اهل نجات می‌دانستند و غیر خود را اهل جهنم و عذاب می‌شمردند و حتی در کلیساها باغ‌های بهشتی در ازای دریافت پول را به مردم می‌فروختند، این روند به گونه‌ای زننده بود که برخی از کشیش‌های مسیحی چون جان هیک، قائل به پلورالیسم شدند. بدین معنا که همه ادیان و مذاهب می‌توانند راه‌هایی برای نجات و رستگاری باشند و حقیقت مطلق وجود ندارد، بلکه حقیقت بخشی است در میان ادیان و مذاهب؛ بنابراین همه می‌توانند اهل نجات و رستگاری باشند.

شهید مطهری می‌گوید: «در تفکر اسلام ناب، حساب جاهل و عالم، جاهل قاصر و مقصر، مستضعف و مستکبر، مخالف غیر معاند و معاند، محسن و متقی و فاجر و فاسق، متذکر و غافل، محب و معاند، غالی و معتدل و... از یکدیگر جداست و نسبت به همه این گروه‌ها یکسان نگریسته نمی‌شود. مضاف بر اینکه مراتب ایمان و کفر و هدایت و ضلالت نیز مختلف است و هر کس به مقدار علم و آگاهی و اعتقاد و عمل در مرتبه‌ای از آن قرار می‌گیرد، این ملاک‌های داوری و ارزیابی اسلام هم درباره مؤمنان و مسلمانان قابل اجرا و دارای اعتبار است و هم درباره غیر مسلمان از پیروان سایر ادیان با وجود این دیدگاه وسیع و داوری واقع‌بینانه در اسلام و تشیع، تنها کسانی را

می‌توان مصداق کامل و حتمی گمراهان اهل دوزخ و محروم از هدایت و رحمت حق تعالی دانست که با علم و آگاهی کافی از دین و مذهب حق روی عناد و لجajt و هواپرستی از آن روی بر می‌گردانند و نیز در زشتی‌ها و فساد اخلاقی غوطه‌ور می‌شوند» مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۳۴۲-۲۴۹. ایشان تصریح می‌کنند: «کفر یا از روی عناد و جحود است یا از روی جهل و قصور و ناتوانی، کافر مصطلح قرآنی و اسلامی نوع اول است نه نوع دوم، و کافران اهل عناد مخلد در دوزخ، به گواهی حکما و متکلمان اسلامی، در اقلیت هستند» (همان، ج ۱، ص ۲۸۹).

۴- پلورالیسم اجتماعی

در این تفکر قومیت‌ها، نژادها، زبان‌ها و پیروان ادیان گوناگون می‌توانند با یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و در یک جامعه زندگی کنند و به حدود و حقوق یکدیگر نیز احترام بگذارند، اما این به معنای حقانیت آنها نیست شهید مطهری می‌گوید: «اسلام خواسته است که ما خیرخواه همه مردم و همه افراد بشر و حتی برای کفار باشیم (همان، ج ۲۲، ص ۶۸۳)، اسلام به تعبیر رسول اکرم، شریعت سمحه و سهله است» (همان، ج ۲، ص ۲۴۱).

قرائت‌های مختلف از پلورالیسم دینی

پس از گونه‌شناسی پلورالیسم به این نتیجه می‌رسیم که پلورالیسم دینی یکی از انواع شاخص پلورالیسم می‌باشد که بیشترین بحث‌ها و دیدگاه‌ها معطوف به آن مطرح شده است که به برخی از انواع شاخص پلورالیسم می‌باشد که بیشترین بحث‌ها و دیدگاه‌ها معطوف به آن مطرح شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- همزیستی مسالمت‌آمیز: یکی از قرائت‌های معطوف به پلورالیسم به پذیرش تکثرگرایی در صحنه اجتماع و صرف‌نظر از تأیید حقانیت همه آنها زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب و نحله‌های مختلف در کنار یکدیگر است. شاید جنگ‌ها و شکل‌کشی‌های ویرانگر در تاریخ زندگی بشر آنها را به این جمع‌بندی رسانده باشد. تا یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به حقوق و منافع دیگران احترام بگذارند. بسیار از آیات قرآن و نیز سیره پیامبران اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) به زندگی مسالمت‌آمیز و پیوندهای اجتماعی فرمان داده‌اند. شهید مطهری می‌گوید: از دیدگاه اسلام، انسان دوستی یک اصل است (مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۶۸۲)، مسلمانان بر اساس آموزه‌های اسلامی مأمور بودند که با پیروان ادیان با تسامح و تساهل و گذشت و نرمی رفتار کنند و از دست‌اندازی به حقوق آنها بپرهیزند (همان، ج ۱۸، ص ۸۱)؛ بنابراین چنین قرائتی مورد تأیید اسلام است.

۳- شمول‌گرایی: شمول‌گرایی دینی را می‌توان حد وسط دو نظریه کثرت‌گرایی و انحصارگرایی دانست، شمول‌گرایان همانند انحصارگرایان بر این باورند که تنها یک راه رستگاری وجود دارد و این راه فقط در یک دین خاص قابل شناخت است. البته همه می‌توانند در این راه قدم بگذارند، اما تنها به شرطی که به ضوابط مطرح شده در آن دین حق، گردن بنهند (گلیایگانی، ۱۳۷۸، ص ۳۵).

کارل رانر، نظریه‌پرداز و متکلم کاتولیک، تنها مسیحیت را حق می‌دانست و غیر آن را باطل می‌پنداشت، اما بر این باور بود که رستگاری و سعادت ویژه کاتولیک نیست و همه پیروان دیگر ادیان هم اهل نجات هستند.

در قرآن و روایات اسلامی آشکارا از قرائت مسیحیان انتقاد شده است (کهف، ۵، مریم/۹۰) و مسیحیان را از قرائت شرک‌آلود باز می‌دارد،

شمول‌گرایی چهره دیگری از پلورالیسم می‌باشد.

۳- انحصارگرایی: کارل بارث، نماینده افراطی انحصارگرایی در مسیحیت رستگاری، رهایی و کمال تنها در مسیحیت و آن هم در فرقه کاتولیک وجود دارد. اینان می‌گویند در بیرون از قلمرو کلیسا نجات و رستگاری وجود ندارد. انتقادات زیادی بر بطلان این دیدگاه وجود دارد.

ناموجه بودن، غیر عقلانی بودن، عدم قوت و دیگر انتقاداتی که هر یک نیازمند استدلال و توضیح می‌باشند.

آثار و پیامدهای پلورالیسم دینی

پذیرش پلورالیسم با مفهوم و تفسیر غربی و کلیسایی آن مطلوب بشر برای دستیابی به کمال نهایی و بهزیستی در دنیا نیست و به نوبه خود سردرگمی و نداشتن قدرت انتخاب در میان مکاتب و دیدگاه‌های متناقض و متضاد را در پی دارد. چنانچه بین وحدانیت و توحید و تثلیث و ثنویت نمی‌توان به حقانیت آنها قائل شد و انسان‌های کم اطلاع متحیر می‌مانند. در عین حال برخی از پیامدهای پلورالیسم در آثار شهید مطهری را بر می‌شماریم:

۱- نفی خاتمیت و جاودانگی اسلام

شهید مطهری با دفاع از خاتمیت بر پایه آیات قرآن (احزاب/ ۴۰) به نفی پلورالیسم می‌پردازد (مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۵۵).

۲- نفی ناسخیت در اسلام

با آمدن قرآن و شریعت ختمیه، تورات و انجیل منسوخ است (همان، ج ۱۴، ص ۲۸۹) با وجود این، پلورالیسم به حقانیت همه ادیان قائل و ناسخیت قرآن را نفی می‌کند.

۳- نفی جامعیت و کمال دین

اسلام به واسطه کمال و کلیت و تمامیت و جامعیتش، به نبوت تشریعی پایان داده است (همان، ج ۳، ص ۱۷۳). اسلام آیینی است جامع و شامل همه شؤون زندگی بشر (آشنایی با قرآن، ج ۳۳، ص ۳۱).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

کثرت‌گرایی دینی هیک با تعالیم اسلام و دیدگاه شهید مطهری سازگار نیست، جان هیک، دین را نوعی واکنش انسانی صرف به واقعیت غایی تعبیر می‌کند در حالی که در تفکر شهید مطهری دین از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد و تعداد ادیان از مشیت الهی ناشی می‌شود و نه تجارب بشر از حقیقت واحد. شهید مطهری قائل به وحدت دینی (وحدت حقیقی ادیان) می‌باشد. شهید مطهری در گونه‌های مختلف پلورالیسم سیاسی و اجتماعی نیز قائل به حقانیت همه آنها نیستند، اما معتقدند باید در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و به حدود و حقوق یکدیگر احترام بگذارند.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور، چاپ اول، ۱۳۸۰، تهران.
- ۳- جان هیک، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه عبدالکریم گواهی، چاپ اول، ۱۳۷۸، تهران.
- ۴- پلورالیسم دینی، مجموعه مقالات، چاپ اول، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- ۵- اسلامی، علی، پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، نشر بوستان

کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۹.

۶- مطهری، مرتضی، ده گفتار، ۱۳۷۰، صدرا، تهران.

۷- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، صدرا، تهران.

۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار انتشارات صدرا.

۹- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۷۸، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، مؤسسه

اندیشه معاصر، قم.

« پاسخ به سؤالات »

«سؤال های سیاسی»

۱- به نظر شما مهم ترین چالش هایی که ممکن است دولت آینده عراق با آن مواجه شود کدامند؟ همان گونه که اطلاع دارید آقای العبادی بیش از ۳۰ سال در اروپا و انگلیس زندگی کرده و دارای گرایش هایی غربی و آمریکایی است و به نظر می رسد در صدد تشکیل نظامی پارلمانی براساس الگوهای غربی است. هرچند وی شیعه است، تلاش می کند جناحی عمل نکند و عراق و جایگاه آن را در سطح منطقه ارتقا ببخشد. نگاه آقای العبادی به مسائل داخلی عراق یک نگاه فرا داخلی است و سعی می کند کابینه ای با حضور همه احزاب تشکیل دهد.

اهل سنت: احساس جریان های اهل سنت این است که به حاشیه رانده شده اند و سهمی در ساختار قدرت ندارند و لذا شخص برای آنها مهم نیست. یعنی تفاوتی بین آقای العبادی نوری المالکی، عادل عبدالمهدی و حتی ابراهیم جعفری برای اهل سنت نیست. مهم این است که آنها سهم بیشتری در ساختار

۶

پرسش و پاسخ

قدرت داشته باشند. به نظر می‌رسد به دلیل گرایش اهل سنت به برخی کشورهای عرب منطقه، آنها سعی می‌کنند سهم بالاتری داشته باشند یا حداقل تلاش‌شان این خواهد بود که کابینه یا دولت شیعه را ناکارآمد جلوه دهند.

بعثی - تکفیری ها: جریان‌های تکفیری و بعثی نگاه مثبتی به العبادی ندارند. آنها نمی‌توانند بپذیرند که شیعیان در رأس دولت باشند. آنها به شخص خاصی نظر ندارند؛ بنابراین کارشکنی تکفیری‌ها در مسیر حرکت دولت ادامه دارد. نظر آنها این است که شیعیان و کردها سهم بالایی در ساختار قدرت نداشته باشند و عراق را به سال قبل از ۲۰۰۳ و زمان حضور صدام بازگردانند تا وضعیت عراق به دوران گذشته باز گردد و تنها اقلیت سنی ساختار قدرت را در دست گیرند؛ بنابراین راضی کردن تکفیری‌ها، سلفی‌ها و بعثی‌ها بسیار مشکل است. آنها همچنان سعی می‌کنند اوضاع عراق را ناامن کرده تا از مسیر حرکت دولت شیعی جلوگیری کنند.

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس؛ عربستان، اردن و کویت، نگاه مثبتی نسبت به دولت و نظام فعلی عراق ندارند. آنها احساس می‌کنند که اگر یک نظام دموکراتیک پارلمانی در عراق تأسیس شود، ممکن است به اعتبار جایگاه عراق در سطح منطقه، این نظام برای سایر ملت‌های منطقه الگو قرار گیرد و مشکلاتی برای رژیم‌های دیکتاتوری عرب همچون عربستان، کویت، اردن و امارات ایجاد کند. هدف دولت‌های مرتجع آن است تا اقلیت عراق بر اکثریت حاکم باشد. همچنین کشورهای عرب منطقه نسبت به کردها و شیعیان نگاه منفی دارند و نمی‌خواهند که دو طیف شیعیان و کردها، حداکثر مشارکت را در ساختار سیاسی عراق داشته باشند. سعی این بازیگران بازگرداندن وضعیت عراق به قبل از سال ۲۰۰۳ است.

آقای العبادی در حال رایزنی برای تشکیل کابینه است و قرار است در فرصت مقرر کابینه خود را معرفی کند. به نظر می‌رسد اگر این کابینه معرفی

شود، شرایطی ایجاد می‌شود که نوعی هم‌گرایی در میان طیف‌های مختلف عراقی به وجود خواهد آمد و آقای حیدر العبادی خواهد توانست شرایط موجود را به نفع عراق بهبود ببخشد، اما او با چالش‌های زیادی نیز در عرصه سیاسی، روابط خارجی و امنیتی مواجه است. به نظر می‌رسد که رویکرد ایشان تشکیل یک کابینه وحدت ملی و مورد توافق همه طیف‌ها است تا هم‌گرایی را در بین طیف‌های سیاسی عراق گسترش دهد.

از سویی، شکاف بین طیف‌های سنی و شکاف بین طیف‌های شیعه و همچنین اختلاف نظرهایی که بین طیف‌های کُرد وجود دارد، تا حدودی تشکیل کابینه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. آقای العبادی تلاش می‌کند هم‌گرایی را افزایش دهد، ولی این کار دشواری است. در بعد دیگری به خاطر برخی مشکلات امنیتی پیش آمده (حمله به مسجد مصعب بن عمر در دیاله که منجر به کشته شدن ۷۰ نفر نمازگزار سنی شد و اتهام‌زنی‌هایی متوجه شیعیان شده است)، شکاف بین شیعه و سنی افزایش یافته و به نظر می‌رسد تشکیل کابینه به آسانی صورت نخواهد گرفت.

چالش‌های زیاد دیگر فرا روی آقای حیدر العبادی قرار دارد که مسأله بازسازی سیاست خارجی، ارتباط دولت آینده با کشورهای عرب منطقه، رابطه عراق با کشورهای بزرگ، مسأله امنیت عراق، توافقات امنیتی واشنگتن - بغداد، رابطه با جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، مسأله اقلیم کردستان و وجود گسست میان اهل سنت و شیعه و سایر چالش‌های که دولت نوری المالکی با آن روبه‌رو بود، دولت آقای حیدر العبادی را هم تهدید می‌کند. در واقع دولت العبادی فرصت زیادی نیاز دارد تا بر تمام این مشکلات فائق آید. این امر به همکاری و همدلی همه طیف‌های سیاسی نیاز دارد.

از طرفی وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و مهم‌تر از آن امنیت عراق و دخالت کشورهای غربی در مسائل داخلی عراق و... عواملی هستند که موجب خواهد شد که آقای حیدر العبادی در یک فرایند زمانی کوتاه‌مدت

نتواند بر آنها فائق آید.

۲- ارزیابی شما از علل ناآرامی‌های پاکستان چیست؟

آنچه را که در رسانه‌ها منعکس شد و ظاهر امر نشان می‌دهد دو تن از رهبران سیاسی مخالف دولت نواز شریف عوامل این حوادث هستند. اعتراضاتی را که طاهر قادری، هدایت و حمایت می‌کند از جنس مذهبی - سیاسی است. وی معتقد است که دولت جدید نتوانسته به مقوله‌های اسلام، دموکراسی، آزادی، امنیت و... بپردازد. اما نوع مخالفت‌های عمران خان با تفاوتی محسوس سیاسی - انتخاباتی است. وی از رقبای انتخاباتی نواز شریف بود پس از گذشت چند ماه از انتخابات پاکستان و روی کار آمدن دولت، مدعی شده که در انتخابات تقلب شده است و باید به آن رسیدگی شود.

اما واقعیت آن است که پشت این مسائل، سیاست‌های دیگری نهفته است. دلایل هر دو رهبر برای بحران‌آفرینی کنونی در پاکستان کاملاً غیرمتمعارف است؛ زیرا مباحث دینی در زمینه اسلام و دموکراسی و مسائل آزادی و امنیت دست کم در حال حاضر چندان جایگاهی در این پاکستان ندارد؛ چراکه پاکستان با بحران‌های پیچیده و خطرناکی مواجه است که چنین مسائلی را نمی‌توان در اولویت اصلاحات به‌خصوص در سطح خیابانی قرار داد.

از سویی دیگر مطرح شدن تقلب انتخاباتی نیز به لحاظ زمانی به قدری دیر شده است که مخاطب با شنیدن چنین ادعایی ابتدا با تعجب مواجه می‌شود؛ چراکه این ادعا و پی‌گیری تقلب انتخاباتی بایستی در روزهای اولیه انتخابات مطرح می‌شد نه سه ماه بعد؟

اغلب تحلیل‌گران بر این باورند که عامل اصلی پشت پرده بحران کنونی دولت نواز شریف، ارتشی است که دولت جدید از ابتدا علاقه‌ای نداشت تا آن را وارد بازی‌های سیاسی کند. نواز شریف پیش از این و در دهه ۹۰ میلادی

نیز ضربه سختی از این حرکت خورده است؛ بنابراین دور از ذهن نیست که بحث کودتا بار دیگر بر سر زبان‌ها بیفتد. مسأله‌ای که ریشه در بحران هویت این کشور دارد و لزوماً مقوله‌ای نظامی نیست.

۳- به نظر شما می‌توان به آینده مذاکرات ج.ا.ا. با ایالات متحده آمریکا امیدوار بود؟

همان‌گونه که می‌دانید داشتن تعامل و رابطه با آمریکا در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی همیشه یکی از دغدغه‌های برخی سیاستمداران بوده که حرف و حدیث فراوانی را در طول این مدت به وجود آورده است. حضرت امام خمینی^(ره) و پس از ایشان، مقام معظم رهبری همواره بر دشمنی با رژیم حاکم بر آمریکا و غیرقابل اعتماد بودن آنها بیاناتی داشته‌اند و رابطه با این کشور را مبنی بر دست برداشتن از مواضع استکباری، عدم دخالت در امور ایران و جبران خسارات گذشته مطرح کرده‌اند.

پس از روی کار آمدن دولت یازدهم نیز برخی از مسئولان فکر می‌کنند می‌توانند به آمریکا اعتماد کنند به این معنی که می‌گویند ما از ادبیات انقلابی خود دست برداریم و اعلام کنیم که ما انقلابی کردیم و تمام شد، لطفاً اجازه دهید ما حکومت کنیم! ناگفته نماند که البته این تفکر مخصوص مسئولان ما در ایران هم نیست؛ چراکه مصادیق اعتماد به آمریکایی‌ها را در دهه‌های اخیر می‌بینیم که سبب سرنگونی و زوال آنها را در پی داشته است. به عنوان مثال یاسر عرفات چنین تفکری داشت. او زمانی چریک بود و علیه رژیم صهیونیستی می‌جنگید، اما زمانی که خود یا مشاورانش به این تفکر رسیدند که بیایم اعلام کنیم که دیگر آن سابقه انقلابی‌گری را نداریم و وارد مذاکره شویم تا طرف مقابل به ما اجازه حکومت دهد، نتیجه اعتماد به آمریکایی سبب مرگش شد. معمر قذافی هم به همین سرنوشت دچار شد. او که یک زمانی صحبت از ملیت عرب می‌کرد، در اواخر به غربی‌ها اعتماد کرد،

نهایت در اولین فرصت او را سرنگون کردند. محمد مُرسی نیز عقبه ۸۰ ساله اخوان المسلمین را کنار گذاشت و به آمریکایی‌ها اعتماد کرد. او نیز در نهایت به سرنوشت یاسر عرفات و قذافی دچار شد؛ بنابراین همان گونه که مقام معظم رهبری در دیدار با هیأت دولت اذعان داشتند و تأکید کردند؛ دستگاه دیپلماسی و دولتمردان ما بایستی در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی موضع‌گیری صریح و شفاف داشته باشند؛ چرا که این امر «منافاتی با زبان دیپلماسی و مذاکره ندارد» و یا «موضع‌گیری صریح و شفاف در خصوص این مسائل شاکله کلی نظام اسلامی و عقبه راهبردی نظام در میان ملت‌ها را حفظ خواهد کرد».

۴- ارزیابی شما از اعمال تحریم‌های جدید از سوی آمریکا علیه ج.ا.ا.

و سناریوهای فراروی دولتمردان و دستگاه دیپلماسی کشور چیست؟

همانگونه در رسانه‌ها منعکس شد، تأکید هم‌زمان مسئولان بر غیرقانونی بودن تحریم‌های جدید و مغایرت آنها با توافق ژنو از یک‌سو و تأثیرگذاری منفی این اقدام بر چشم‌انداز مذاکرات از سوی دیگر، هم متضمن حفظ حقوق کشور در برابر این اقدام بود و هم اینکه ایران، توافق به هر قیمت را دنبال نمی‌کند؛ چیزی که قبلاً نیز در مواضع دستگاه دیپلماسی کشور مطرح و اعلام شده بود. در مجموع، مخرج مشترک واکنش نهادها و مقامات کشور به این اقدام را می‌توان در گزاره‌های زیر جمع و دسته‌بندی کرد:

- تحریم‌های جدید، غیرقانونی و ناسازگار با توافق ژنو است؛

- تحریم‌های جدید، بر چشم‌انداز مذاکرات تأثیر می‌گذارد و بر بی‌اعتمادی به آمریکا خواهد افزود؛

- مسئولیت عواقب این اقدامات غیرقانونی، بر عهده آمریکا و سایر اعضای ۵+۱ است.

اما آن چیزی را که نباید فراموش کرد اینکه موضع‌گیری در برابر این

اقدامات و سکوت نکردن، اقدامی لازم اما ناکافی است. اینکه کشور در برابر چهارمین دور از تحریم‌ها سکوت را شکسته و بر غیرقانونی بودن آن تأکید قاطع دارد، یک توفیق در تقویت دیپلماسی هسته‌ای است. البته این امر به برکت نگاه و اشراف راهبردی مقام معظم رهبری حاصل شده است. اما شرط کافی، روزآمدسازی برآوردها و محاسبات در راهبرد هسته‌ای و تعیین نوع کنشگری در چشم‌انداز مذاکرات است؛ بنابراین، باید متناسب با دکترین ملی و تغییرات در صحنه و در نهایت رفتارشناسی طرف مقابل، به تنظیم سناریوها و شاخص‌بندی آنها برای تعیین گزینه‌های رفتاری مطلوب پرداخت. گزینه‌های رفتاری و سناریوهای به شرح زیر می‌توان فرض کرد:

(۱) توقف مذاکرات تا تعیین تکلیف این تحریم‌ها در کمیسیون مشترک: این گزینه کمترین توجه را در منظر دیپلماسی ما داراست و هم معاون وزیر خارجه چنین واکنشی را در مورد تحریم‌های گذشته رد کرده است و هم رئیس جمهور نیز در سخنان ۸ شهریور، چنین گزینه‌ای را خارج از دستورکار شمرد.

(۲) هشدار به احتمال تأثیر این تحریم‌ها بر توقف مذاکرات: به نظر می‌رسد که چون تهدید مادامی مؤثر است که میزان احتمال تحقق آن نزدیک به صفر نباشد، در شرایط کنونی و بر اساس سیاست‌های اعلامی و رسمی، چنین گزینه‌ای نیز حتی در صورت استفاده، سمبلیک و فاقد کارایی خواهد بود.

(۳) ائتلاف‌سازی برای تعیین تکلیف تفسیر تحریم‌های جدید در کنار ادامه مذاکرات: این گزینه به دلیل داشتن پشتوانه‌های فکری و رفتاری در برخی از اعضای ۵+۱، قابل توجه است. ضمن اینکه مانع از آن نخواهد بود که اصل مذاکرات نیز محفوظ و مستمر بماند. اما حداقل این امکان را خواهد داد که آمریکا از تکرار این رویه در آینده خودداری کند.

(۴) تسریع در مذاکرات به منظور به حداقل رساندن دوره ورود به اجرای

توافق جامع: این گزینه به معنای آن است که دوره توافق نهایی هر چه سریع‌تر آغاز شود. در این دوره به دلیل اینکه مقطع کاهش تدریجی تحریم‌ها و لغو آنها به صورت دسته‌بندی شده است، امکان تجدید تحریم به حداقل می‌رسد و البته می‌توان چنین موضوعی را در توافق نیز تصریح کرد. با این حال، موانع توافق طرفین حول چهار مسأله کلیدی باقیمانده، عمیق‌تر از اختلافات بر سر تفسیر تحریم جدید از قدیم است. از این رو، چنین سناریویی نیز چندان وزنی نخواهد داشت.

۵) یک برداشت هم این است که ادامه مذاکرات، راهبرد اصلی و ملی است که این قبیل تحریم‌ها، آن را دچار اختلال نمی‌کند، بلکه اعتراض به مسائل ریزی همانند قرار دادن چند شخص ایرانی و خارجی در لیست سیاه، باید در مجاری خاص خود و در کنار ادامه مذاکرات مطرح شود، کما اینکه تا کنون نیز چنین رویه‌ای مورد عمل قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که نگاه دوم در سطوح دیپلماسی هسته‌ای کشور، غالب‌تر باشد.

«سؤال‌های سیاسی»

۱- میزان صادرات و واردات آمریکا به ایران در سال ۲۰۱۴ چقدر

است؟

صادرات آمریکا به ایران در ۷ ماه نخست سال جاری میلادی به ۱۰۲.۲ میلیون دلار رسید که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل تقریباً نصف شده است. وزارت بازرگانی آمریکا در جدیدترین گزارش خود کل مبادلات تجاری ایران و آمریکا در ۷ ماه نخست ۲۰۱۴ را ۱۰۲.۲ میلیون دلار اعلام کرد. مبادلات تجاری دو کشور در این مدت با کاهش ۴۹ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۳ مواجه شده است. مبادلات دو کشور در ۷ ماه نخست سال گذشته میلادی ۲۰۳.۱ میلیون دلار اعلام شده بود. در حالی مبادلات آمریکا با ایران در ۷ ماه نخست ۲۰۱۴ کاهش داشته است که از ابتدای این سال توافق هسته‌ای موقت به اجرا گذاشته شد و کسانی که این توافق را به تحول در مناسبات دو کشور تفسیر کرده بودند، انتظار داشتند سطح مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۴ با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه شود. واردات آمریکا از ایران در ۷ ماه نخست ۲۰۱۴ نیز صفر بوده است. آمریکا در مدت مشابه سال قبل ۲ میلیون دلار کالا از ایران وارد کرده بود.

۲- سناریوها و سیاست‌های دولت یازدهم درباره افزایش تولید گاز

ایران چیست؟

افزایش سهم گاز طبیعی در سبد انرژی یکی از سیاست‌های در دست اجرای وزارت نفت بوده به طوری که ظرفیت تولید گاز ایران تا سه سال آینده ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. در حال حاضر تولید گاز طبیعی کشور به مرز ۱۹۰ میلیارد متر مکعب در سال رسیده است، با بهره‌برداری از فازهای جدید پارس جنوبی این ظرفیت به بیش از ۳۳۰ میلیارد متر مکعب در سال افزایش می‌یابد. هم اکنون به طور همزمان ۱۳ پالایشگاه گاز در کشور فعالیت

می‌کنند که تعداد پالایشگاه‌های گاز ایران تا سال ۱۳۹۶ به ۱۹ پالایشگاه افزایش می‌یابد و در نهایت ظرفیت پالایش گاز کشور هم تا سقف یک میلیارد متر مکعب در روز قابل افزایش خواهد بود. در کنار افزایش ظرفیت تولید و پالایش گاز، ارتقای ظرفیت انتقال این حامل انرژی پاک هم در دستور کار قرار دارد، از این رو تعداد تأسیسات تقویت فشار گاز از ۷۱ ایستگاه فعلی به ۹۰ ایستگاه افزایش می‌یابد. همچنین وسعت شبکه خطوط لوله انتقال گاز طبیعی ایران از ۳۵ هزار به بیش از ۴۰ هزار کیلومتر افزایش می‌یابد و جمعیت تحت پوشش گاز طبیعی کشور هم از ۶۳ میلیون نفر معادل ۸۴ درصد جمعیت کشور در سال ۹۲ به حدود ۷۱ میلیون نفر معادل ۹۴٫۵ درصد جمعیت در سال ۹۶ افزایش می‌یابد. به همین منظور ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید در صنعت گاز تا چهار سال آینده است، بر این اساس باید ۲۱ میلیارد دلار در بخش پالایش، ۳۴ میلیارد دلار در بخش انتقال و احداث خطوط لوله گاز و تأسیسات تقویت فشار، ۳ میلیارد دلار در بخش ذخیره‌سازی و ۴٫۵ میلیارد دلار برای اجرای شبکه گازرسانی سرمایه‌گذاری کرد. علاوه بر موارد مذکور افزایش دو برابری حجم تقاضا برای گاز، تبدیل تقاضا از مشترکین کوچک به مشتریان بزرگ صنعتی، افزایش تعداد خانوارها، وابستگی ۷۰ درصدی سهم سبد انرژی به گاز، ورود به تجارت جهانی گاز و چالش‌های ناشی از آن و ضرورت همکاری با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به منظور دسترسی به تکنولوژی و منابع از جمله تحولاتی است که صنعت گاز بوده که تا سال ۱۴۰۴ با آنها مواجه است.

۳- آینده واردات روسیه از ایران به ویژه بعد از ممنوعیت واردات

محصولات غذایی چگونه خواهد بود؟

با توجه به دستور اخیر رئیس جمهوری روسیه مبنی بر ممنوعیت واردات محصولات غذایی از اتحادیه اروپا این کشور تلاش دارد تا نیاز خود را در این

حوزه از سایر کشورها تأمین کند که ایران یکی از این گزینه‌ها است. در دیدار اخیر مقامات روسیه آنها نیازمندهای غذایی و کشاورزی فروشگاه‌های زنجیره‌ای خود را به کانون انجمن‌های صنایع غذایی به عنوان نماینده صنعت غذای کشور اعلام کردند. انواع میوه و صیفی‌جات، سیب زمینی، فلفل قرمز، موز، هندوانه، سیب طلایی (زرد)، پرتقال، نارنگی، گریپ فروت، انگور سفید و قرمز، گلابی، هلو، شلیل، انواع گوجه، انواع خیار، انواع محصولات لبنی شامل شیر، کره، پنیر از شیر گوسفند و بز، پنیر کپک سفید، پنیر با کپک آبی، پنیر گودا، پنیر خامه‌ای، پنیر روسی، کفیر، ماست میوه‌ای، پنیر سفت، پنیر نیمه سفت، محصولات شیری، انواع بستنی، انواع ماهی، شامل ماهی سالمون تازه، فیله ماهی سالمون، قزل‌آلا، ماهی دودی‌شده، شاه‌ماهی، میگو، خرچنگ یخ‌زده، آجیل، آجیل مخلوط، بادام بوداده، سبزیجات شامل گل کلم یخ‌زده، سبزیجات تابستانی یخ‌زده، کلم بروکلی، سبزیجات ریشه‌ای تازه و یخ‌زده، سبزیجات کنسروی، گوجه فرنگی گیلای، روغن زیتون، کنسرو صیفی‌جات، قارچ به صورت یخ‌زده و مخلوط، چای، قهوه، انواع شکلات، آناناس، نخود، لوبیا قرمز از جمله مواد غذایی مورد نیاز روس‌ها هستند که ایران می‌تواند نسبت به تأمین بسیاری از آنها اقدام کند.

پوتین اعلام کرد که این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها درباره محصولات کشاورزی، مواد اولیه و مواد غذایی علیه آن گروه از کشورها صورت خواهد گرفت که در جریان کشمکش اوکراین تحریم‌هایی علیه روسیه مقرر کرده‌اند. در جریان بحران اوکراین روابط بین روسیه و اتحادیه و اروپا به شدت تیره و تار شده است. ایجاد این وضعیت فرصت مناسبی برای صادرات صنایع غذایی و کشاورزی ایران به بازار روسیه فراهم شده است.

۴- شرایط دریافت یارانه برای ایجاد خانوار جدید به چه شکل است؟

سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها شرایط ایجاد خانوار جدید و تغییر

سرپرست خانوار برای دریافت یارانه نقدی را اینگونه اعلام کرد:

در صورتی که والدین هر یک از زوجین در بازه زمانی ۲۰ الی ۳۱ فروردین ماه سال جاری در طرح ثبت نام مجدد در سامانه رفاهی به منظور اعلام تقاضا و نیازمندی برای دریافت یارانه نقدی شرکت نموده باشند و در همان زمان زوج و زوجه در زیر مجموعه خانوار والدین خود نیز قرار داشته باشند، زوجین می‌توانند با در دست داشتن اصل و کپی شناسنامه، کارت ملی و سند ازدواج به یکی از دفاتر پلیس + ۱۰ مراجعه و سایر مراحل جداسازی از خانوار اصلی و تشکیل خانوار جدید را طی نمایند. ضمناً شرایط برای طلاق هم به همین صورت است تنها سند طلاق جهت جداسازی خانوار و تشکیل خانوار جدید به یکی از دفاتر پلیس + ۱۰ مراجعه نمایند. در صورت فوت هم اگر سرپرست قبلی خانوار در بازه زمانی ۲۰ الی ۳۱ فروردین ثبت نام مجدد در سامانه رفاهی کرده باشد. هنگام فوت این سرپرست بزرگترین فرد خانوار که دارای سن قانونی باشد؛ می‌تواند با اصل و کپی شناسنامه و کارت ملی خود و کلیه اعضای خانوار که در زیر مجموعه سرپرست قبلی در بازه زمانی فوق‌الذکر ثبت نام شده‌اند به همراه گواهی فوت، شناسنامه و کارت ملی متوفی جهت تعیین سرپرست جدید و طی سایر مراحل به یکی از دفاتر پلیس + ۱۰ مراجعه نمایند. درباره بد سرپرست بودن طبق دستورالعمل ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در صورت اعتیاد سرپرست به مواد مخدر، محجور بودن، زندانی بودن، فوت یا مفقود یا مجنون شدن، عدم حضور سرپرست در محل زندگی (زندگی در خارج کشور) و عدم صلاحیت سرپرست خانوار؛ چنانچه خانوار مزبور در بازه زمانی ۲۰ الی ۳۱ فروردین‌ماه سال جاری در طرح ثبت نام مجدد در سامانه رفاهی شرکت نموده باشند، متقاضی می‌تواند جهت تغییر سرپرست خانوار فعلی با ارائه مدارک و مستندات لازم به فرمانداری محل سکونت خود مراجعه نمایند.

امام خامنه ای (مدظله العالی) :

حماسه‌ی ملت ایران در
دفاع مقدس،
نمایش‌گر قله‌ی ظرفیت‌های
انسانی مردم این سرزمین
خدایی است.



نماینده‌ی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین
معاونت سیاسی